



# پیام سندیگا

## پیام آور سندیگاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیگایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۱۴ / سال دهم / شهریور ماه ۱۴۰۱ / نشریه سندیگاهای کارگری ایران

# آنکه امروز در بند شماست

# در غم فردای فرزند شماست



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۱۴/

سال دهم / شهریور ۱۴۰۱ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۶

مصاحبه اختصاصی «اندیشه نو» با مازیار گیلانی نژاد ص ۱۹

کار یکسان، حقوق متفاوت ص ۲۴

ورود بیمه های خصوصی به بازنشستگی ۲۶

اخبار بازنشستگان ص ۲۸

هزینه های میلیاردهای از جیب بازنشستگان ص ۳۰

نامه بازنشستگان ص ۳۳

مصاحبه کوروش اسدی با ایلنا ص ۳۴

مصاحبه حسن مرادی با ایلنا ص ۳۵

عمل نکردن به وظایف عامل اصلی ورشکستگی تامین اجتماعی ص ۳۷

بیمه های خصوصی، نابودی تامین اجتماعی ص ۳۸

افزایش سن بازنشستگی مقدمه نابودی قانون کار ص ۳۹

یاد روح اله شمس کارگر شرکت داروسازی گرامی ص ۴۰

دریاچه نمک ماهشهر ص ۴۱

هیچ چیز ارزشمندتر از زندگی نیست ص ۴۲

اوبونتو چیست؟! ص ۴۳

دیدگاه تلسکوپ جیمزوب ص ۴۴

تلخ و شیرین های گازیم عاشقی ص ۴۶

کار زنان هرگز پایان نمی یابد ص ۴۸

مردن کودکی در کنار سطل زباله ص ۴۹

یسرا سلیمانی نایفه ریاضی بلوچ ص ۵۱

مفهوم ابر واقعیت ص ۵۲

«تاییدنی چنین» ص ۵۲

حیات تحریر به سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کار مکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

#کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران

مراجعة کنید



# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

## بی قانونی پشت بی قانونی!

در حالی که بالاخره دولت مجبور به پذیرش حق قانونی افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی سایر سطوح شد، با خبر شدیم بازنشستگان دستگیر شده اهوازی آقایان: ناصر سعیدآوی، محمد زمان کامروا، مراد ظهراپی، جهت آخرین دفاعیات به شعبه سیزده بازپرسی دادسرای انقلاب اهواز احضار شدند. این افراد که با پانزده بازنشسته دیگر در اهواز دستگیر شده بودند قرار است با وکالت خانم فرزانه زیلابی، دختر شجاع زحمتکشان در دادگاه از خود دفاع کنند.

در جریان «بی قانونی علیه قانون» که بازنشستگان سراسر کشور مجبور به تلاش برای اجرای قانون بودند، برای بیش از هزار بازنشسته پرونده سازی شد و بسیاری دیگر به دادگاه و پلیس سیاسی برده شدند.

با توجه به اجرای قانون و خلاف بودن نظر دولت در رابطه با مصوبه شورای عالی کار، نه تنها هیات دولت و معاون اولش، بلکه پلیس سیاسی و پرونده سازان باید از کار خود عذرخواهی کرده و همه پرونده ها و احکام صادر شده علیه بازنشستگان را لغو کنند.

ما ضمن حمایت از برادران و خواهران خود در سراسر ایران به ویژه برادران اهوازی، خواستار آزادی بازنشستگان و حذف پرونده های این عزیزان هستیم.

**بازنشستگان فلزکارمکانیک / بازنشستگان سندیکای بافنده**  
**سوزنی / بازنشستگان صنعت چاپ / بازنشستگان شهاب**  
**خودرو / بازنشستگان مستقل قزوین / بازنشستگان مستقل**  
**بابل / بازنشستگان مستقل رامهرمز**

اول شهریور ۱۴۰۱

## پیروزی قانون بر بی قانونی، شادباش!

با مبارزات ۵ ماهه اخیر بالاخره مسوولین مجبور شدند به قانون سرخم کرده و مصوبه شورای عالی کار را بپذیرند. این مبارزات خیابانی به بیش از ۱۰۰۰ پرونده سازی برای بازنشستگان و نزدیک به ۱۰۰ بازداشت و دادگاه برای کنشگران عرصه بازنشستگی منجر شد. هزاران پیامک تهدید آمیز از بودجه مملکت برای بازداشتن بازنشستگان فرستاده شد. ۵ ماه خانواده های بازنشستگان با نگرانی طی کردند اما پیروزی قانون بر علیه بی قانونی طعم شیرینی برایمان داشت. زنده باد اتحاد بازنشستگان. دوستان هنوز کار تمام نشده است. هنوز این افزایش ها سر سفره ما نیامده پس باید هشیار بود که باز هم ویرگولی در این وسط پیدا نشود. هنوز کانون های بی خاصیتی که اعصاب ما را با دروغ های خود خراب کردند سر کارند. مبارزه ادامه دارد. ۵۷ درصدی که برای حداقل بگیران منظور شده بود تنها ۴۶ درصد آن با هزار کلک در فیش های حقوقی آمده است پس هنوز کار زیادی مانده است و نباید خیالمان آسوده باشد هنوز:

۱- متناسب سازی کامل سالهای ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ باقی مانده که باید سر سفره مان بیاید. با توجه به پرداخت بدهیهای سالهای ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ توسط دولت اجرای متناسب سازی کامل این ۲ سال را خواهانیم ۲- عیدی بازنشستگان همانند کارگران شاغل ۳- برگشت بیش از ۱۰۰ قلم دارو به چرخه بیمه ۴- حذف ماده ۸۹ (حذف کسر ۲ درصد از حقوقها) ۵- اجرای ماده ۶۹ برای همه بازنشستگان تامین اجتماعی ۶- اصلاح ضرایب احکام سالهای ۸۶ و ۸۷ بر اساس حداقل حقوق واقعی همان سالها ۷- عدم انتصاب مدیران دولتی در سازمان تامین اجتماعی ۸- عدم تامین کمبود بودجه دولت ها از صندوق بیمه تامین اجتماعی و پرداخت سریع بدهی دولت به صندوق تامین اجتماعی ۹- حذف گروههای ۲۶ گانه حمایتی و تشکیل صندوق حمایتی دولتی برای آنان یا تخصیص ردیف در بودجه دولتی مطابق با قانون ۱۰- پیگیری و اصلاح ساختار سازمان تامین اجتماعی و ورود بازنشستگان شایسته در راس صندوق ۱۱- غیرقانونی بودن انتخابات در انزلی ۱۲- بیرون کردن هیات مدیره های بیسواد و فاسد و خاتمه دادن به این مافیای لانه کرده در کانون ها

دست در دست هم دهیم به مهر/ میهن خویش را کنیم آباد ۲۷ مرداد ۱۴۰۱

بازنشستگان فلزکارمکانیک/ بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی/  
بازنشستگان صنعت چاپ/ بازنشستگان شهاب خودرو/ بازنشستگان مستقل  
قزوین/ بازنشستگان مستقل بابل/ بازنشستگان مستقل رامهرمز

## سایه ی پُر افتخار ادبیات ایران جاودانه شد!



هوشنگ ابتهاج متخلص به «سایه» شاعر نامی ایران زمین و پارسی زبانان، امروز ۱۹ مرداد در سن ۹۵ سالگی مردمی را که دوست شان داشت را برای همیشه ترک کرد تا ایرانیان یکی از قلال پرافتخار ادبیات خود را در تاریخ جاودانه کنند.

«سایه» بدین جهت در میان مردم بسیار محبوب بود که در همه فراز و نشیب های کشور بلا دیده ما، در کنار مردم ایستاد. با آنان رنج کشید، تحقیر شد، به زندان رفت، خندید و سربلند از آزمون زندگی بیرون آمد. شعر معروف «ارغوان» را در دهه شصت در زندان سرود تا رنج انقلابیون شکست خورده را روای خوبی باشد. هرگز نه تنها به قدرت سرخم نکرد بلکه همیشه مبارزی بود بر علیه ستم و یاور ستمدیدگان.

اشعارش روایتگر زندگی مردم کشورش بود و عشق به مردم، شعرش را جلا می بخشید. او که از جوانی آرمانخواهی پرشور بود و بهبودی وضعیت زحمتکشان را سرلوحه زندگیش کرده بود برای اعتلای فرهنگ مردم چه در رادیو و چه در هنگامه انقلاب بهمن با سرودن اشعار انقلابی با مردمش همراه شد. گروه موسیقی که او بنیان نهاده بود بعد از کشتار مردم در میدان ژاله (۱۷ شهریور) ۱۳۵۷ با اعتراض به این کشتار مردم از سوی محمدرضای پلید، از رادیو استعفا داد. نقش او در گروه موسیقی عارف و شیدا چه در فرهنگ و هنر شیراز و چه بعد از انقلاب بی بدیل است. او توانست در غوغای پر سر و صدای موسیقی کاباره ای، جمعی از بهترین جوانان هنرمند ایران را دور هم جمع کرده به پیدایش موسیقی مردمی و با کیفیت همت گمارد. سلطنت پهلوی موسیقی را هجو می خواست و هنرمند را کاسه لیبی که به دنبال صلّه باشد اما او نشان داد موسیقی فاخر به همراه شعر چگونه به میان مردم رفته بر سر زبان مردم می افتد. اگر عارف قزوینی در دوران مشروطیت توانست موسیقی سنتی را به زبان گویای مردم در بیاورد ۷۰ سال بعد این سایه بود که در انقلاب بهمن ۵۷ دوباره این کار را انجام داد. او پرورش یافته مکتبی بود که مرتضا کیوان ها را به جامعه شناسانده بود.

یادش در ذهنیت تاریخ مردمی ایران همیشه زنده است و محبتش نازودنی

## ارغوان بیرق گلگون بهار

تو برافراشته باش

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۹ مرداد ۱۴۰۱

## بدرود رفیق علی شوقی!



علی شوقی همکار پرتلاش نشریه پیام سندیکا در تبریز به ابدیت پیوست. علی شوقی کارگر قالبباف و عضو سندیکای کارگران قالبباف تبریز بود. با بسته شدن این سندیکا علی شوقی تمامی تلاش خود را معطوف ترویج آرمان‌های کارگری خود کرد. در سال ۱۳۹۲ برای اولین بار نشریه پیام سندیکا به یک شهرستان ارسال شد و علی شوقی برای دریافت آن پیشقدم شد. علی شوقی پیک تیزی‌پای سندیکای ما بود هر چند بیماری او را عذاب می‌داد اما شوق فعالیت در راه سندیکای کارگری او را چنان سرپا نگه می‌داشت که گاه بیماری را فراموش می‌کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران تلاش‌های این فرزند خلف سندیکایی را ارج گذاشته و او را فراموش نخواهد کرد.

بدرود علی جان، خشنود باش که بذرهای کاشته شده تو همچنان به بار می‌نشیند. تسلیت و دریغی در کار نیست، او به آرمان‌های خود خدمت کرد و سرفراز این راه شد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۹ مرداد ۱۴۰۱

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



ایران خودرو و مسایل رفاهی!



ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بالاخره مدیریت به حوزه مسایل رفاهی ورود کرد. با توجه به گزارش های ما در طول ۲ سال مبنی بر بی کیفیت بودن غذا، کولردار نبودن سرویس ها، وضعیت سخت و زیان آور کارگران پیمانکاری های ایران خودرو، سرگردانی کارگران بازنشسته به لحاظ پرداخت نشدن ۴ درصد



سخت و زیان آور شان خوشبختانه مدیریت در رابطه با بخشی از این مسایل وارد عمل شد. بررسی وضعیت ایاب و ذهاب و امکانات کارکنان و از سرویس های سطح شرکت بازدید کرده و از آشپزخانه و روند ارائه خدمات به کارکنان از نزدیک با خبر شدند. آقای زفرقندی با تاکید بر طبخ غذای کارکنان با کیفیت مطلوب و رعایت نکات بهداشتی در فرآیند طبخ، در رابطه با سرویس های حمل و نقل افزایش بهبود ۳۴ درصدی را اعلام داشتند. اینکه با نظارت هفتگی ایشان بهبود ۳۴ درصدی اتفاق افتاده دانسته می شود که سرویس ها چقدر وضعیت خرابی داشتند. در مورد غذا باز هم می گوئیم تا زمانی که دست پیمانکار است این پیمانکاران وظیفه خود می دانند که تا می توانند از کیفیت غذا زده تا سود بیشتری ببرند، پس باید آشپزخانه دوباره زیر پوشش کارخانه قرار بگیرد تا طبق نظر ایران خودرو غذای خوب و با کیفیت به کارگران داده شود.

### استفاده از سرباز دانشجو در ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیرعامل ایران خودرو گفته است از ظرفیت سرباز دانشجو در ایران خودرو استفاده خواهد کرد. این اولین بار نیست که چنین طرحی داده می شود قبلاً هم سرباز دانشجو در شرکت واحد اتوبوسرانی اجرا شد. آیا کسی از نتایج آن با خیر است؟ چرا این موضوع دیگر ادامه نیافت؟ آنچه مشخص است سودآوری از سرباز دانشجو مد نظر است یعنی به جای استخدام نیروی متخصص از بازار کار حالا از سرباز دانشجو با قیمت پایین و ساعت کار بالا بدون رعایت قوانین کار استفاده خواهد شد.

ما می پرسیم آیا این عمل در راستای کارورزی و استاد شاگردی نیست؟ اگر واقع نظر مدیرعامل ایران خودرو کار مثبت است آیا تعهد می دهد که بعد از پایان سربازی، این نفرات در ایران خودرو استخدام شوند؟ یا اینکه فقط می خواهند با استثمار این جوانان به سوددهی بیشتر برسند؟ به هر حال ایران خودرو بایستی با آوردن این سربازان قوانین کار و آیین نامه های داخلی ایران خودرو را در مورد این نیروهای کار رعایت و اجرایی کند .

## گزارش هایی از پروژه های نفت و گاز



### ۱- اخطار به پیمانکار گلزاری!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاری گلزاری مخازن سبز سایت دو پتروشیمی بوشهر از شرکت روژین صنعت به کارگر اعتصابی خود به نام رامین سلحشور سیلی زده است. این پیمانکار که بیمه ۹۰ کارگر خود را از اردیبهشت تاکنون هنوز به تامین اجتماعی پرداخت نکرده است با کارگران اعتصابی خود برخورد وحشیانه ای دارد. آقای گلزاری اگر دست از کارهای احمقانه و غیرانسانی خود برداردی در شهر خودت سیلی خواهی خورد که در تمام پروژه ها شنیده شود. نام کثیف شما به مسولین تامین اجتماعی منطقه ویژه داده شده و به زودی از پروژه بلک لیست خواهید شد. اگر از کارگران خود عذرخواهی نکنید در شهرتان منتظر ما باشید. پیمانکاری که نمی تواند بیمه کارگرش را به تامین اجتماعی بعد از ۴ ماه پرداخت کند همان بهتر که از پروژه اخراج گردد.

به اطلاع کارگران پروژه ای می رسانیم که این موضوع به مسولین منطقه ویژه اطلاع رسانی شده و توسط نماینده کارگران پروژه ای آقای گیلانی نژاد پیگیری خواهد شد.

## ۲- اعتصابات کارگری هر روز بیشتر می شود!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پروژه ای شرکت پتروپایسازان زیر نظر تیو انرژی در پروژه های ساخت مخازن نفت جزیره قشم بیش از ۲۰ روز است که در اعتصاب هستند. این کارگران که دستمزدهای خود را از خرداد ماه دریافت نکرده اند و بیمه هایشان هم به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است با دست از کار کشیدن اعتراض خود را به این شیوه ضد کمپین ۱۰/۲۰ نشان دادند. قابل ذکر است که حقوق کارکنان اداری هم از اردیبهشت ماه به صورت نصفه داده شده است. امروز چند تن از کارگران دستگیر شده و به نقطه نامعلومی برده شدند و به مسوول مالی شرکت تیوانرژی دستور داده شد تا چهارشنبه آینده می بایست حقوق خردادماه را پرداخت کنند و تا آخر شهریور هم حقوق تیرماه را. با توجه به وضعیت این شرکت بدحساب احتمالن اموال شرکت پتروپایسازان برای فروش گذاشته شود.

به جای دستگیری کارگران مورد ظلم واقع شده باید مسوولین بی عرضه را دستگیر و از پروژه ها بیرون انداخت. سندیکای فلزکارمکانیک ایران ضمن حمایت از خواسته های این کارگران خواستار آزادی فوری این کارگران است.

## ۳- اعتصاب برای حق!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پروژه ای شرکت شیران ساویس به پیمانکاری شیرانی در پتروشیمی انتخاب، حقوق اردیبهشت خود را پس از اجرای اعتصاب دریافت کردند. آنها پس از اینکه با وعده های توخالی مواجه شدند ژنراتور را خاموش کرده و با دست از کار کشیدن آنها را مجبور کردند حداقل حقوق اردیبهشت ماه را واریز کنند. متأسفانه کارگرانی که از این وضعیت ناراحت هستند مدیریت به آنها می گوید بروید حقوقتان را به حسابتان

واریز می کنیم. به همه کارگران توصیه می کنیم تا حقوق خود را کامل نگرفته اند از کمپ بیرون نروند.

شرکت نصب نیرو واقع در سیرجان نیز حقوق خرداد ماه کارگانش را هنوز نپرداخته است و هر روز وعده های توخالی به کارگانش می دهد. متأسفانه این شرکت ۶/۲۴ است لذا به کارگران هشدار می دهیم برای کار به این شرکت نروند و آن را تحریم کارگری کنند تا حساب دستشان بیاید.

#### ۴- ادامه خلافکاری های پیمانکاران پتروشیمی بوشهر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از شرکت استیم و شرکت کیسون، شرکت جهان پارس نیز حقوق خرداد به بعد کارگران را نداده است. شرکت جهان پارس به پیمانکاری محمد لیموچی و سامان توانا در پتروشیمی بوشهر نه تنها حقوق کارگران را نداده و لیست بیمه هایشان را هم رد نکرده است بلکه هیچ کس جواب درست حسابی هم به کارگران در مورد زمان پرداخت حقوق نمی دهد. این شرکت ها علاوه بر خلافکاری و ضایع حق کارگران در شرکت کیسون واقع در پتروشیمی دنا، پیمانکاران زیر مجموعه اش مثل مرادی و به ویژه هامز سازه آقای نودرپور از وضعیت سواستفاده کرده خوابگاه، غذا، سرویس افتتاح را برای کارگانشان در نظر می گیرند. کارگران را به زور به مرخصی اجباری و بعد تماس می گیرند که فعلاً نیاید. بیمه کلیه نفرات فنی را با کمترین پایه بیمه یعنی کارگر ساده به سازمان تامین اجتماعی می دهند. به همه پیمانکاران پتروشیمی بوشهر از طرف سندیکا اعلام می کنیم اگر به تخلفات خود ادامه دهید مجبوریم کمپین تخلیه محل کار بزنیم.

#### ۵- در شرکت پترو پارس قدرت چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت پتروپارس قدرت واقع در پتروپالایش کنگان سایت ۲ بین نفرات اجرا و دفتری تبعیض قائل شده و تا کارگران اجرا اعتصاب می کنند حقوق های این کارگران را پرداخت می کند ولی ۲۰ نفر از

نفرات دفتری حقوق خرداد ماه رو نگرفته و هرچه هم به مدیریت فشار می آورند امروز و فردا می کند. به آقای نادری هشدار می دهیم هرچه زودتر حقوق کارگران دفتری را پرداخت کند. طبق قراری که نماینده کارگران پروژه ای (گیلانی نژاد) با مدیریت و بازرس منطقه ویژه گذاشته اند هیچ کارفرمایی حق ندارد حقوق کارگران را عقب بیندازد همانگونه که بیمه ها را طبق لیست پرداختی به کارگران به تامین اجتماعی رد می کنید خوش حساب باشید و حقوق کارگران تان را پرداخت کنید. همچنین بیمه تیرماه و مرداد کارگران را نیز واریز کنید.

### ۶- شرکت کیسون هنوز هم به خلافکاری هایش ادامه می دهد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پتروشیمی دنا واقع در عسلویه به پیمانکاری شرکت کیسون هنوز حقوق فروردین، تیرماه، مرداد را به کارگزارانش پرداخت نکرده است. با آنکه کارگران بارها به مدیران شرکت اعلام کرده اند که دستشان خالی است و نیازمند حقوق شان هستند در عوض کیسون کارگران را به مرخصی اجباری می فرستد تا هر گاه که دلش خواست حقوق کارگران را پرداخت کند. این مرخصی ها بدون تاریخ هستند و معلوم نیست دوباره کارگر را به کار آیا دعوت کنند یا نه؟

بارها سندیکا به کارگران گفته تا تسویه حساب نکردید از کارگاه بیرون نیایید چون کارفرما می تواند برایتان گربه رقصانی کند و شما هم دستتان به جایی بند نیست. دوستان کارگر پروژه ای می توانند در اینگونه مواقع به آقای حاجیان بازرس منطقه ویژه مراجعه کنند و بگویند از طرف گیلانی نژاد نماینده کارگران پروژه ای آمده اند و سپس به ما خبر بدهند تا پیگیری کنیم.

### ۷- اعتصاب در آبادراهان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، یکی از بدنام ترین شرکت های پیمانکاری، شرکت آبادراهان در عسلویه است که از سوی سندیکا تحریم کارگری گردیده است. امروز جمعه ۴ شهریور این شرکت به دلیل پرداخت نکردن حقوق

کارگران از اردیبهشت تاکنون و ندادن لیست بیمه این ماه ها به تامین اجتماعی کارگزارانش دست به اعتصاب زده و از ورود و خروج به شرکت با بستن درب های پروژه ممانعت به عمل آوردند. کارگران می گویند تا پرداخت حقوق و بیمه در اعتصاب خواهند ماند.

## ۸- شرکت های بدحساب را به ما معرفی کنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت روزین صنعت پیمانکاری گلزاری مخازن سبز سایت دو پتروشیمی بوشهر بیمه ۹۰ کارگر خود را از اردیبهشت تاکنون هنوز به تامین اجتماعی پرداخت نکرده است. پیمانکاری که نمی تواند بیمه کارگرس را به تامین اجتماعی بعد از ۴ ماه پرداخت کند همان بهتر که از پروژه اخراج گردد. به اطلاع کارگران پروژه ای می رسانیم که این موضوع به مسوولین منطقه ویژه اطلاع رسانی شده و توسط نماینده کارگران پروژه ای آقای گیلانی نژاد پیگیری خواهد شد. دوستان کارگر می توانند مشکلات شرکت شان را با ما در میان بگذارند تا توسط نماینده تان پیگیری شود

## ۹- قابل توجه کارگران پروژه ای عسلویه!

با پیگیری های به عمل آمده در خصوص وضعیت لیست بیمه های ارسالی کارفرمایان به سازمان تامین اجتماعی که با عنوان شغلی مغایرت داشته و مغایرت کامل با حقوق دریافتی شما عزیزان دارد و لیست بیمه دوستان را اکثراً کارگر ساده رد می کنند و همچنین اعلام نام پیمانکاران خلافکار به سازمان تامین اجتماعی، در روز ۳۱ مرداد از منطقه ویژه با نماینده کارگران پروژه ای آقای مازیار گیلانی نژاد تماس گرفته شد و ایشان را برای اول شهریور دعوت به جلسه ای در مدیریت منطقه ویژه کردند که به دلیل ساکن بودن آقای گیلانی نژاد در تهران و جلسه ای که از پیش خبر داده نشده بود ایشان نتوانستند در این جلسه شرکت کنند.

از دوستان تقاضا داریم هرگونه مغایرت بیمه ای در مورد لیست بیمه هایشان را برای ما ارسال کنند تا آن را در اختیار مسوولین منطقه ویژه گذاشته پیگیر حقوق

حقه شما باشیم و پیمانکاران دغلكار را از پروژه ها بیرون بیندازیم. بی تردید اطلاعات شما بی نام به مسولین داده خواهد شد.

با سپاس سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲ شهریور ۱۴۰۱

### ۱۰- کارگران ستاره تراز در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز اول شهریور ۱۴۰۱ کارگران پروژه ای ستاره تراز در پتروشیمی بوشهر سایت ۱ دست به اعتصاب زده و در محوطه پروژه بست نشستند. این کارگران ۲ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. با آنکه سرپرست شرکت سازه پاد در ۱۰ اردیبهشت به نماینده کارگران پروژه ای مازیاریگیلانی نژاد در حضور مدیر منطقه ویژه اطمینان داده بود که به هیچوجه دستمزد کارگران عقب نخواهد افتاد این دومین شرکت پس از شرکت استیم است که حقوق کارگانش عقب می افتد.

### ۱۱- کلاهبرداری شرکت استیم از کارگران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت استیم واقع در پتروشیمی بوشهر به ریاست آقای مهندس ذوالفقاری در اجحاف به کارگران مدل جدیدی را اختراع کرده اند. این شرکت به جوشکار دوجی سه جی مخزن برای ۳۱ روز کار مبلغ ۳۰ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان با ساعت کاری ۱۰ ساعت در روز حقوق می دهد. کلاهبرداری از اینجا آغاز می شود که ۱ میلیون و هفتصد هزار تومان بابت مالیات و حق بیمه از کارگران کم می کنند. در حالی که حق بیمه کارگری که ۳۰ میلیون حقوق می گیرد ۲ میلیون ۱۰۰ هزار تومان بابت ۷ درصدش خواهد شد. پس ایشان لیست بیمه را برحسب دریافتی کارگر رد نمی کند و کلکی که به کارگر و سازمان تامین اجتماعی می زنند از همین جا اتفاق می افتد. طبق اظهارات کارگران حق بیمه را، کارگر ساده رد می کند. این در حالی است که کارگران ساده مشمول مالیات نمی شوند. خلاف های این شرکت اول طبق کمپین حقوق پرداخت نمی کند ۲۰/۱۰ را رعایت نکرده و ۳۱ روز از کارگر کار می کشد ۳- بیمه را طبق لیست حقوق پرداختی به کارگر به بیمه رد نمی کند ۴-

از کارگر مالیات می‌گیرد. ۵- ساعت کاری را هم رعایت نمی‌کند. ۶- وضعیت خوابگاه در بیدخون متوسط است و در یک اتاق ۱۶ متری ۳ نفر با این دمای بالا زندگی می‌کنند. ۷- در لیست غذا گوجه بادمجون و سیب زمینی تخم مرغ دیده می‌شود. ۸- هنوز حقوق خرداد و تیرماه پرداخت نشده است.

با آنکه این شرکت‌های زیرمجموعه سازه پاد در ۱۰ اردیبهشت در حضور مدیر منطقه ویژه و بازرس آن و نماینده کارگران پروژه ای قول داده بودند که قوانین کار و کمپین را رعایت کنند اما تخلفات شان هر روز بیشتر می‌شود. گزارش این تخلفات به سازمان تامین اجتماعی و بازرسی شرکت نفت ارایه خواهد شد و سندیکا هم پیگیر این تخلف خواهد بود.

## ۱۲- اعتصاب در شرکت استیم در پتروشیمی اسلام آباد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۲ مرداد در ادامه مذاکرات کارگران اعتصابی و در پی وعده وعیدهای مدیریت شرکت استیم در پتروشیمی اسلام آباد نسبت به پرداخت به موقع حقوق و اصلاح مرخصی از ۶/۲۴ به ۸/۲۲ و همچنین تهیه سرویس ایاب ذهاب برای نفرات کارگری متاسفانه تاکنون هیچ کدام از وعده‌ها و خواسته‌های کارگران اعمال نشد. به همین دلیل امروز با حضور مهندس جوادی مدیر مالی دفتر مرکزی تهران مذاکره ای با کارگران اعتصابی صورت گرفت. ایشان در کارگاه با پررویی هرچه تمامتر اذعان داشت: «شرایط همان شرایط قبلی ۶/۲۴ و پرداخت حقوق منوط به پرداختی کارفرمای اصلی می‌باشد و افزایش حقوقی تا پایان سال نداریم هرکی هم ناراحته میتونه بره» با این سخنان نابخردانه که اعتراض تمامی پرسنل را در پی داشت ایشان به سرعت در دفتر سرپرست کارگاه پناه گرفت تا از دست کارگران عصبانی در امان باشد. ایشان نمی‌داند اگر پرسنل سایت و نفرات کارگری نباشند دفتر تهران معنایی ندارد. کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به شرکت استیم توصیه می‌کند افراد بی‌خرد را برای مذاکره با اعتصابیون به کارگاه گسیل نکند که وضع بدتر خواهد شد. گفتن حرف‌های درشت به کارگرانی که اگر کار نکنند شرکت باید تا دو ماه آینده بساطش را از پتروشیمی ایلام جمع کند و برود، عاقلانه نیست اعتصاب تا حصول شرایط ۱۰/۲۰ ادامه دارد.



## ۱۳- کارگران در هوای بالای ۵۵ درجه هنوز کار می کنند!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پروژه ای پالایشگاه آبادان که در دمای بالای ۵۵ درجه در شرکت سکاف کار می کنند به گرمزدگی مبتلا شده و بیش از ۳۵ کارگر به درمانگاه اعزام شدند. امروز ۲۲ مرداد ۱۴۰۱ دو کارگر شرکت سکاف و یک کارگر هم در جفیر بر اثر گرمای بیش از حد فوت نموده اند. با توجه به قانون حوادث غیرمترقبه قانون کار و افزایش بیش از حد گرما در محیط های کاری می بایست اداره کار محل نسبت به تعطیلی تمامی کارگاهها اقدام نموده و کارفرمایان را موظف به رعایت این ماده قانونی کنند. در حال حاضر بیش از یک میلیون کارگر در جنوب ایران به ویژه در عسلویه و بندر، حفاری نفت و گاز، سکوهای نفتی در این شرایط بد کار می کنند. متأسفانه شرایط کار برای کارگران پروژه ای بدتر از سایر شغل هاست. با اینکه فعالین سندیکایی بارها با کارفرمایان خود وارد مذاکره شده اند تا کارگاهها را تعطیل کرده و یا ساعات کار را کم کنند متأسفانه پیمانکاران سودجو تمایلی برای این کار نشان نداده اند. به شرکت های پیمانکاری هشدار می دهیم چنانچه ساعات کار در کارگاهها کاهش نیابد سندیکا مجبور است برای حفظ جان کارگران اعلام تخلیه سراسری بدهد. کارگران هم با پیمانکاران خود مذاکره کرده ساعات کار را کاهش دهند تا ضایعات جبران ناپذیری رخ ندهد. کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

## اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱- وضعیت نابسامان اتوبوس های خطوط بی آر تی به دلیل فرسودگی اتوبوس ها و عدم تامین قطعات یدکی، رانندگان این خطوط را با مشکلات جدی روبرو کرده است .

متأسفانه بی توجهی مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و بی تدبیری شهرداری تهران نه تنها اقدام بموقع برای تامین و تهیه لوازم یدکی برای اتوبوس های خطوط بی آر تی صورت نگرفته است بلکه اکثر این اتوبوس ها چندین برابر عمر استاندارد خودشان در حال کار هستند. روزی نیست که شاهد حادثه و تخریب بعضی از این اتوبوس ها در حین جابجایی مسافری نباشیم . همین دو روز گذشته شاهد آتش گرفتن موتور یکی از این اتوبوس ها بودیم که اگر راننده بموقع اقدام به خاموش کردن حریق نشده بود و آتش نشانی حضور پیدا نمی کرد، معلوم نبود این حادثه چه خسارات مالی جانی در بر میداشت. اکثریت این اتوبوس ها یا صندلی شان خراب است و یا از حالت استاندارد خارج شده و نه تنها صندلی راننده انعطاف لازم را در دست اندازهای خیابان های تهران ندارد، بلکه همانطور که در تصویر می بینید از سنگ و مقوا برای بالای آمدن صندلی راننده استفاده شده که این صندلی میتواند در کوتاهترین مدت به کمر و گردن راننده صدمات جبران ناپذیری بزند. سندیکای کارگران شرکت واحد قبلاً هم اعلام کرده است. کار اتوبوس رانی و حمل و نقل شهری کاریست تخصصی که متأسفانه مدیریت شرکت واحد و مدیران زیر دست ایشان چه در

شهرداری و شرکت واحد هیچگونه اطلاعات و تخصصی در خصوص حمل و نقل شهری ندارند و با گذشت دو دهه از عمر اتوبوس ها ما شاهد فرسودگی صددرصدی اتوبوس های درون شهری بخصوص شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بوده ایم که هم شهروندان و هم رانندگان زحمت کش شرکت واحد باید بتوان ناکارآمدی مدیران حمل نقل شهری را بدهند.

## ۲- ناتوانی و ناکارآمدی مسئولین شهرداری در تامین روشنایی پایانه های اتوبوسرانی خطوط بی آر تی در سطح کلان شهر تهران

از آنجایی که خطوط بی آر تی به صورت شبانه روزی در سه شیفت مختلف فعالیت می کند و این پایانه ها در جابجایی مسافر تاثیر بسزایی دارند، لذا باید از امکانات رفاهی و خدماتی بالایی هم برخوردار باشند. اما متاسفانه همچنان که در عکس ها مشاهده می شود و گزارشات ارسالی از همکاران مبنی بر عدم نور کافی برای تردد، به لحاظ روشنایی سطح پایانه ها طوری است که در واقع انگار برق رفته، بطوریکه حتی عابرین جلو پای خودشان را هم نمی توانند ببینند. با توجه به عملکرد بسیار ضعیف مسئولین شرکت واحد که در پایانه ها مستقر هستند و بی توجهی به وضعیت روشنایی پایانه ها الی الخصوص پایانه معین (میدان راه آهن) که یکی از پر ترددترین پایانه ها محسوب میشود، سطح روشنایی در شب در این پایانه در حد صفر میباشد. مدیریت سامانه هم هیچگونه سرکشی و نظارتی از این پایانه ها و محیط کار ندارد. گویا جان راننده ها و مسافران برای مسئولین شهرداری و شرکت واحد هیچ اهمیتی ندارد. انگار باید یک اتفاق بسیار ناگواری و دلخراش برای راننده ها و یا شهروندان رخ بدهد تا مسئولین شرکت واحد از خواب غفلت بیدار شوند و به فکر چاره بیفتند. شرایط کاری برای رانندگان در تاریکی شب طوری است که دائما باید با استرس و نگرانی به اینکه با عابرین در حال تردد که اکثرا لباس مشکی بپوشانند برخورد نکنند یا اینکه دغدغه وسایل شخصی شان را دارند که توسط افراد

بزهکار و سارق به سرقت نرود. نمونه بارز آن اتفاقی که در چند روز اخیر برای یکی از همکاران زحمتکش توقفگاه سامانه پنج به دلیل عدم روشنایی کافی رخ داد و خبر آن از طریق کانال رسمی تلگرامی سندیکای واحد منتشر گردید که راننده به دلیل تاریکی بودن محیط در حال تردد با اتوبوسی برخورد کرد و دچار حادثه گردید. گویا این بی توجهی و عدم احساس مسئولیت برای مدیران به یک عرف تبدیل گشته و بسیار عادی شده، که البته این نشانگر ناکارآمدی مدیریت و عوامل زیر مجموعه ایشان در اداره ناوگان حمل و نقل اتوبوسرانی تهران است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی به مدیریت تاکید میکند که رعایت نکات ایمنی در محیط کار از قوانین کار میباشد و عدم توجه به آن تخلف محسوب میشود. رسیدگی و پیگیری به مشکلات موجود در محیط کار را باید در اولویت کاری خود قرار دهید تا رانندگان زحمتکش بتوانند با اطمینان خاطر و با یک آرامش روحی و روانی در محیطی امن رانندگی کنند. لذا از بازرسی اداره کار میخواهیم به جای نوشتن شعار اول ایمنی بعد کار... به نکات رعایت ایمنی محیط کار با نظارت و بازرسی از محیط کار عمل کند. بی توجهی بازرسان کار در عدم نظارت بر نکات ایمنی محیط کار، شرایط را برای حوادث ناشی از کار فراهم میکند و در واقع جان باختن صدها کارگر از حوادث ناشی از کار، عدم نظارت و بازرسی وزارت کار از کارگاههای محیط کار میباشد. چاره زحمت کشان وحدت و تشکیلات

کارفرما حق ندارد در زمان قطعی برق کارگر را به مرخصی اجباری بفرستد

◆ هیچ مرخصی اجباری بدون رضایت کارگر اعتباری ندارد و این گونه مرخصی ها فقط برای مواقع ضروری و حوادث غیر مترقبه لحاظ شده است.

◆ کارفرما حق ندارد با بهانه های مختلف مانند کمبود مواد اولیه، ضعف مدیریت و ... سعی کند که از دستمزد کارگر کم کند و متاسفانه این روال معمولاً از زمان تحریم کشورمان در کارخانه ها و کارگاه ها اتفاق می افتد.

مصاحبه اختصاصی «اندیشه نو» با مازیار گیلانی‌نژاد، سخنگوی سندیکای فلزکار مکانیک ایران: ما سدی در برابر سیاست‌های ضد کارگری خواهیم بود



—سندیکای ما همه راه‌ها را برای گرفتن حقوق زحمتکشان در دستور کار دارد.

—هدف «شورای سازش روابط کار» قانون‌زدایی از روابط کار است.

—ما بی‌تردید نخواهیم گذاشت آرزوی اتاق بازرگانی و اجرای تمام و کمال سیاست‌های ضدکارگری نولیبرالی محقق شود.

با توجه به وضعیت ملتهب محیط‌های کار در سراسر کشور، اعتراض‌های کارگری، پاسخگو نبودن و عملکرد سؤال‌برانگیز مسئولان و مدیران کارخانجات و پروژه‌ها، بر آن شدیم که درباره مسائل کارگری ایران با یکی از سندیکالیست‌های مطلع در ایران گفت‌وگویی داشته باشیم. با تشکر از آقای گیلانی‌نژاد که این دعوت ما به گفت‌وگو را پذیرفتند.

اوضاع اقتصادی کشور وخیم است. بیکاری گسترده، رکود اقتصادی، پرداخت نشدن حقوق و مزد کارگران، و وسعت گرفتن اعتراض‌های کارگری واقعیت روز ایران است. ارزیابی سندیکای فلزکارمکانیک در مورد اوضاع کنونی چیست؟

سیاست‌های نولیبرالی دولت که در واقع جراحی اقتصادی فاجعه‌باری بوده، به تورم حداقل ۳۰۰ درصدی منجر شده است. بی‌تردید، حتی با اجرایی شدن [پرداخت] یارانه ۴۰۰ هزار تومانی هم توان خرید مردم بهبود نخواهد یافت. در نتیجه، نارضایتی بیشتر خواهد شد و مردم دست به اعتراض خواهند زد. در حال حاضر، بازنشستگان و آموزگاران و کارگران پروژه‌هایی در صنایع نفت جنبش مطالبه‌گرایانه‌ای را رقم زده‌اند که می‌تواند به تغییراتی منجر گردد. البته با بسترسازی امپریالیستی، کشور رو به بحران‌های بیشتری می‌رود و صنایع دچار مشکلات عدیده‌ای خواهد شد که خواست مافیای لانه‌کرده در دولت است، تا با واردات هرچه بیشتر، همین صنعت باقیمانده را هم از بین ببرد و اقتصاد کشور [مطلقاً] تک‌محصولی شود. ما سال‌هاست که خواهان قطع دست مافیای اتاق بازرگانی هستیم. همین مافیا در زمان تعیین مزدهای سالانه تمام کوشش خود را می‌کند تا موضوع حداقل مزد دچار چالش شود. هم‌اکنون، مصوبه غیرقانونی دولت در مورد حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی، یکی از این شاهکارهاست!! تا [زمانی که] دولت سیاست‌های دیکته‌شده صندوق بین‌المللی پول را اجرا می‌کند و تلاش دارد خدمات دولتی و قانون کار و سازمان تأمین اجتماعی را ضعیف کند و سپس با خصوصی‌سازی آنها از بین ببرد، جامعه به‌سوی متلاشی شدن پیش خواهد رفت.

**مقامات حکومتی جمهوری اسلامی ایران فقط فعالیت شوراهای اسلامی کار و «خانه کارگر» را برسمیت می‌شناسند. آیا این درست است که دولت اجازه فعالیت قانونی و مستقل به سندیکاهای کارگری نمی‌دهد؟ به نظر شما دلیل آن چیست؟**

آری، آنها اجازه فعالیت به سندیکاهای کارگری نمی‌دهند، چون می‌دانند ما بر ضد سیاست‌های ضدملی سرمایه‌داری هستیم و بی‌تردید متشکل خواهیم شد و سدی در مقابل این سیاست‌های ضدکارگری خواهیم بود. کافی است شما نگاهی

به سیاست‌ها و اطلاعیه‌های ما بیندازید تا به تفاوت ما با شوراهای اسلامی گوش‌به‌فرمان و کانون‌های بازنشستگی بی‌خاصیت و خانه‌ضدکارگر پی ببرید.

**فعالیت سندیکاهای مستقل واقعی در ایران چگونه است؟ آیا فعالیت‌های کنونی به‌هیچ‌وجه مؤثر است؟**

شرایط برای فعالیت سندیکاهای کارگری بسیار سخت و کمرشکن است. کافی است به برخورد با سندیکاهای هفت‌تپه و [شرکت] واحد و شرایط عمل آن‌ها نگاهی بیندازیم تا به عمق سختی کار پی ببریم. در حال حاضر، رفیق سندیکایی ما منوچهر سراج در فیروزکوه به‌دلیل فعالیت سندیکایی به ۵ سال حبس محکوم شده است. فعالان سندیکایی ما که در جنبش بازنشستگان فعال‌اند، مرتب احضار می‌شوند و با پیامک‌های تهدیدکننده روبه‌رو هستند. اما این به آن معنی نیست که ما دست‌بسته نشسته‌ایم. در حال حاضر، در صنایع نفت، کارگران پروژه‌یی با سازمان‌دهی سندیکای ما توانسته‌اند حقوق‌های خود را ۱ به ۵ برابر [حقوق‌های] سال ۹۹ برسانند، و شرایط محیط کار نسبت به سال ۹۹ حداقل در ۷۰ درصد پروژه‌ها بهبود نسبی یافته است. در کارخانه‌های خودروسازی و ذوب آهن، پس از اعتصاب‌های کوتاه‌مدت تغییراتی را در میزان مزدها مشاهده می‌کنیم. پیگیری‌های مرتب سندیکا در دوایر دولتی گاهی به‌بار می‌نشیند. ما توانسته‌ایم از دادگاه انقلاب برای فعالان سندیکا و از جمله رفیقمان حمید شرقی [حکم] برانت بگیریم. اما این در مقابل اجحافات و تحریکات مافیا، یک به هزار است.

**با گذشت یک سال از سر کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی، با توجه به وعده‌ها و قول‌های کارزار انتخاباتی او و ادعای وی در مورد «دولت مردمی» بودن، آیا در وضعیت معیشتی زحمتکشان، برای مثال در مورد از بین بردن قراردادهای سفید امضا یا تغییر قانون کار یا سطح درآمدها به‌نفع زحمتکشان، تغییری صورت گرفته است؟**

تغییراتی صورت گرفته است، اما نه در جهت مثبت. زحمتکشان طی یک سال، سه‌برابر قدرت خریدشان را از دست داده‌اند. مواد غذایی، دارو، مسکن، و درمان دیگر در دسترس زحمتکشان نیست. خودکشی‌ها و خودسوزی‌های اخیر کارگران

نتیجه همین «جراحی بزرگ» است. حمله به قانون کار با طرح «امید به زندگی بیشتر در میان زحمتکشان بالا رفته» پس سن بازنشستگی باید تا ۶۵ سال افزایش یابد؛ دست بردن غیرقانونی دولت در حقوق بازنشستگان؛ کم کردن ۱۰۰ هزار تومانی حق مسکن کارگران در سال جاری؛ عقب افتادن حقوق‌های کارگران، که به امری عادی در پیمانکاری‌ها تبدیل شده است؛ و ندادن بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، گوشه‌ای از حمله سراسری به دستاوردهای زحمتکشان در یک سال اخیر است. ما بی‌تردید خواهیم گذاشت آرزوی اتاق بازرگانی و اجرای تمام و کمال سیاست‌های ضدکارگری نولیبرالی محقق شود.

مشخص است که دولت توان مهار تورّم قیمت‌ها و افزایش اجاره مسکن را ندارد و روند افزایش فشارها بر زندگی زحمتکشان مزدبگیر و حقوق‌بگیر ادامه خواهد داشت. دامنه اعتراض‌ها نیز به همین ترتیب رو به گسترش است. در چنین وضعیتی، چگونه می‌توان فعالیت‌های مؤثر و هدفمندی در راه بهبود وضعیت زحمتکشان سازمان داد و چه چالش‌هایی در این راه وجود دارد؟

سندیکای ما همه راه‌ها را برای گرفتن حقوق زحمتکشان در دستور کار دارد؛ از نامه‌نگاری و گفت‌وگو و مذاکره گرفته تا اعتصاب و تجمع. در این راستا، رفتن میان زحمتکشان و گفت‌وگو کردن با آنها، انتشار نشریه «پیام سندیکا» به‌مدّت ۱۱ سال هر ماهه، و انتشار ۱۳ شماره نشریه بازنشستگان متحد به‌نام «امید» طی سه سال، از جمله راهکارهای ما برای سازمان‌دهی است. گفت‌وگو با عناصر مؤثر سندیکایی و تلاش برای متحد شدن نیز یکی دیگر از راهکارهای ما برای مقابله با چالش‌های موجود است. فعالان سندیکایی را بازداشت و [برای آنها] پرونده‌سازی می‌کنند و آنها را به زندان می‌برند تا فعالیت‌ها متوقف شود، اما این قافله را سر باز ایستادن نیست.

بنا به گزارش رسانه‌ها، اخیراً «احیای شورای سازش روابط کار» در دستور کار کارگزاران و دولت قرار گرفته است. نظر شما در این باره چیست؟ آیا «شورای سازش روابط کار» می‌تواند به‌نفع زحمتکشان عمل کند؟



تا زمانی که کارگران نتوانند نمایندگان واقعی خود را آزادانه و مستقل انتخاب کنند، بی‌تردید هیچ نهادی نمی‌تواند به‌نفع کارگر وارد عمل شود. شوراهای اسلامی کار و کانون‌های بازنشستگی در این چهل سال چه گلی به سر زحمتکشان زده‌اند به‌جز تخریب و از دست دادن دستاوردهای کارگری؟ این گونه نهادها برای نابودی دستاوردهای یک‌صدساله طبقه کارگر ساخته شده‌اند و می‌شوند. [هدف] «شورای سازش» در راستای قانون‌زدایی از روابط کار است. کدخدامنشی متعلق به دوران فئودالیسم است، و زنده کردن آن یعنی بی‌قانونی محض در روابط کارگر و کارفرما.

**تأثیر تحریم‌های مالی آمریکا بر صنایع مرتبط با عرصه فعالیت سندیکای فلزکار  
مکاتیک را از منظر سرمایه‌گذاری، تولید، و به‌ویژه آینده شغلی کارگران  
چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در حال حاضر، صنایع خودروسازی و فولاد کشور بر اثر تحریم‌های اعمال‌شده دچار مشکلات زیادی هستند. تعطیل شدن کارخانه‌های فولادسازی در سراسر کشور در یک دهه گذشته، تأخیر در [اجرای] پروژه‌های نفت و گاز به‌دلیل تأمین نشدن قطعات و مصالح لازم استاندارد، از جمله این موارد است. در نتیجه، بیکاری افزایش یافته است، تولید کم می‌شود، و مسیر اقتصادی دولت به‌سمت دلالی و واردات بسترسازی خواهد شد. تحریم‌ها باعث شده است که بسیاری از سرمایه‌گذاران کره‌یی و ژاپنی که در بازار ایران به‌صورت سنتی فعال بودند، از ایران بروند. فقط چینی‌ها، آن هم در صنایع نفت و گاز، توانسته‌اند در کشور ما فعال بمانند و با گشایش‌های مالی کمی از فشار ارزی کم کنند. هرچند که همین سرمایه‌گذاران هم، به‌دلیل عملکرد دلالاتی که قراردادهای آنها در اتاق‌های بازرگانی می‌بندند، قراردادهای را به‌نفع مردم، محیط‌زیست، و زحمتکشان کارسازی نمی‌کنند. بسترسازی رانت‌خواران در زمینه مالی جالب توجه است. چینی‌ها یوان به شرکت نفت ما می‌دهند. در فرایند تبدیل یوان به دلار و بعد به ریال، صرافان و دلالتان ایران پول خوبی به‌جیب می‌زنند. البته با روی کار آمدن آقای رئیسی و اعلام اینکه پروژه جدیدی شروع خواهند کرد، در حقیقت فعالیت‌های عمرانی با چالش روبه‌رو شده و نتیجه‌اش شده است بیکاری برای کارگران.

## کار یکسان، حقوق متفاوت/ گله‌ی کارگران پیمانکاری از تبعیض

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) ۱۸ مرداد

کارگران پیمانکاری در همه‌ی دستگاه‌ها معمولاً بابت تفاوتی که بین آن‌ها و کارگران رسمی و قرارداد مستقیم وجود دارد معترض هستند. به گزارش خبرنگار ایلنا، اشاره به تفاوت بین کارگران رسمی و پیمانکاری موضوع تازه‌ای نیست. کارگران پیمانکاری در همه‌ی دستگاه‌ها وضعیت مشابه هم دارند. آن‌ها معمولاً بابت تفاوتی که بین آن‌ها و کارگران رسمی و قرارداد مستقیم وجود دارد، معترض هستند. جملاتی مثل «مجموعه»، ما را از خود نمی‌داند و نسبت به مشکلات ما بی‌تفاوت است» یا «به ما می‌گویند مشکلاتتان را با پیمانکاران حل کنید، مشکلات شما ربطی به ما ندارد» را بارها از زبان کارگران پیمانکاری شنیده‌ایم. فرقی هم ندارد آن کارگران متعلق به مجموعه‌ی شهرداری باشند یا بهزیستی و یا مثلاً نفت و گاز و پتروشیمی؛ تقریباً همه وضعیت مشابهی دارند.

مازیار گیلانی‌نژاد (فعال مستقل کارگری) نیز در مورد مشکلات کارگران پیمانکاری و تبعیضی که بین این کارگران و کارگران رسمی وجود دارد، می‌گوید: مهم‌ترین نکته در مورد این کارگران این است که قانون کار در مورد آن‌ها رعایت نمی‌شود اما در مورد کارگران رسمی اینگونه نیست و خب ناظران و بازرسان کار هم بر کار پیمانکاران نظارتی ندارند، بنابراین خیلی اوقات حداقلی‌ترین قوانین کار مثل ساعات کار و دریافت به موقع حقوق و پرداخت بیمه و... در مورد این کارگران رعایت نمی‌شود. گیلانی‌نژاد به محرومیت کارگران پیمانکاری از مزایای رفاهی نیروهای قراردادی و رسمی اشاره می‌کند و می‌گوید: یک نمونه‌ی ساده در مورد این کارگران این است که آن‌ها حتی از دریافت سبک کالایی که بسیاری از مجموعه‌های بزرگ برای کارگران رسمی و قراردادی خود در نظر می‌گیرند نیز محرومند. در واقع آن‌ها در یک مجموعه در کنار کارگران دیگر کار می‌کنند اما جزو آن مجموعه حساب نمی‌شوند و این نه فقط به لحاظ مادی بلکه به لحاظ روحی ضربه‌ی بدی به آن‌ها می‌زند. این فعال کارگری می‌گوید: پیمانکاران معمولاً از سهم کارگران می‌زنند و این

مصدق بسیاری دارد؛ از غذاهای با کیفیت پایین گرفته تا پرداختِ دیر هنگام دستمزد و حذف یکسری خدمات درمانی و رفاهی و... او در توضیح بیشتر می‌گوید: گاهی پیش می‌آید که به کارگران پیمانکاری لباس دست دوم می‌دهند. یا مثلاً خیلی از کارگران نفت و گازی که در عملویه کار می‌کنند به دلیل ساعات کاری خود و اینکه مدت‌ها از خانواده دور هستند نیاز به تفریحات دارند که شرکت موظف است این خدمات تفریحی را برای آن‌ها فراهم کند اما این اتفاق نمی‌افتد. همین موضوع در مورد درمانگاه هم صدق می‌کند، پیمانکار یا شرکت مادر باید در برخی از مکان‌های دورافتاده که کارگر کار می‌کند درمانگاه بزند اما اینها نادیده گرفته می‌شود. در یک کلام استانداردهای لازم برای این کارگران رعایت نمی‌شود و عمده‌ترین دلیل هم این است که پیمانکار به دنبال منفعت بیشتر و زدن از سهم کارگران است. سهمی که هنگام بستن قرارداد برای کارگر در نظر گرفته می‌شود خیلی راحت به جیب پیمانکار می‌رود. چون کارگر پیمانکاری به حال خود رها می‌شود و بازرسی کار صورت نمی‌گیرد از هر طرف به کارگر پیمانکار ظلم می‌شود. پیمانکاران از اوایل دهه ۷۰ در راستای سیاست تعدیل ساختاری و برای کاهش بار مالی دولت روی کار آمدند. حضور آن‌ها در کنار رواج قراردادهای موقت، سبب شد کارگران به تدریج حتی برای رسیدن به حداقلی‌ترین حقوق خود نیز مجبور به مبارزه باشند. نقش پیمانکاران در مقررات‌زدایی از قانون کار پررنگ است و این را انبوه کارگرانی به ما می‌گویند که از دریافت دستمزد بموقع یعنی حداقلی‌ترین حق یک کارگر نیز محروم هستند. کارگران پیمانکاری قربانی سودخواهی هرچه بیشتر پیمانکاران می‌شوند. آن‌ها از یک طرف به دلیل آنکه زیر نظر مجموعه‌ی مادر قرار نمی‌گیرند از برخی از حقوق و مزایا محروم هستند و از طرفی دیگر به دلیل تمایل پیمانکار برای رسیدن به سود بیشتر از حقوق خود محروم می‌مانند. این وضعیت فشار مضاعفی بر آن‌ها وارد می‌کند به طوری که به جرأت می‌توان گفت که آن‌ها جزو محروم‌ترین کارگران هستند.

## مصاحبه مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران با خبرنگاری کارگری ایلنا

ورود بیمه‌های خصوصی به بازنشستگی؛ حکم نابودی تامین اجتماعی است

یک فعال حقوق بازنشستگان خطاب به مدافعان خصوصی‌سازی خدمات بیمه‌ای عمومی و تامین اجتماعی گفت: اول کارنامه به اصطلاح درخشان بیمه‌گران خصوصی را در دیگر حوزه‌های فعالیت این بیمه‌ها در کشور ارائه دهید.

به گزارش خبرنگار ایلنا، اظهارات چند تن از مدیران بیمه‌ای کشور در روزهای اخیر پیرامون سرنوشت اداره صندوق‌های بازنشستگی، انتقادات متنوعی را میان فعالان و کارشناسان مسائل بازنشستگان ایجاد کرده است.

مازیار گیلانی نژاد (فعال حقوق بازنشستگان و نماینده کارگران پروژه‌های جنوب کشور) با اشاره به این اظهارات گفت: رییس کل بیمه مرکزی ایران، اخیراً طی اظهاراتی از ورود بیمه‌های بازرگانی به حوزه درمان و بازنشستگی سخن گفته است. از ایشان باید پرسید اول کارنامه به اصطلاح درخشان بیمه‌گران خصوصی را در دیگر حوزه‌های فعالیت این بیمه‌ها در کشور ارائه دهید و سپس به این حوزه ورود کنید.

وی اضافه کرد: در حال حاضر بیمه آتیه‌سازان حافظ که یک سازمان خصوصی فعال تنها در بخش کوچکی مثل بیمه تکمیلی است؛ آنقدر به مراکز درمانی و داروخانه‌ها و شرکت‌های دارویی بدهی دارد که در سال گذشته و امسال بسیاری از این مراکز و پزشکان قراردادهای خود را به دلیل تسویه نشدن طلب‌هایشان لغو کرده‌اند و بازنشستگان بیمار سرگردان شده‌اند.

گیلانی نژاد با اشاره به فعالیت سایر گروه‌های بیمه‌ای در شبکه اصناف و سوابق آن گفت: بیمه دانا هم در بخش فولاد و ذوب آهن فعال بود اما به دلیل نداشتن شبکه‌ای فراگیر و به ویژه در خصوص بیماری‌های خاص و دندان‌پزشکی همچنان کارگران این دو بخش از خدمات تکمیلی درمان محروم هستند. ضمن

اینکه بیمه فرهنگیان با توجه به پرونده‌های موجود از آن، هیچ سابقه درخشانی ندارد.

این فعال کارگری و بازنشستگان با بیان اینکه «سطح پایین پوشش خدمات، قرارداد نداشتن با مراکز مهم درمانی و بیمارستانی، عدم پوشش بیماری‌های خاص و سرطانی و دندانپزشکی از مهمترین ضعف‌های این بیمه‌گران خصوصی است» گفت: زیر پا گذاشتن قانون اساسی در این اظهارات در حالی است که طبق اصل ۲۹ قانون اساسی دولت را موظف است با بودجه خود بیمه را تعمیم و سراسری کند نه اینکه به دست بیمه‌های خصوصی بسپارد. تصویب کنندگان این اصل به خوبی متوجه این مهم بوده‌اند که بیماری انسان‌ها نباید محلی برای سود ورزی قرار بگیرد.

وی با اشاره به اینکه «سخنان برخی افراد درباره خصوصی‌سازی خدمات بیمه و تامین اجتماعی نشانگر اعتقاد نداشتن به اصل ۲۹ قانون اساسی است و اینکه احکام نئولیبرالیسم از زبان برخی آقایان خارج می‌شود، واقعیتی دردناک است» گفت: اینکه اخیراً از تجربه چین صحبت شده که در آنجا بیمه‌گران خصوصی به موضوع درمان وارد شده‌اند، گویای تمام حقیقت نیست چراکه دولت چین در زمینه خدمات اجتماعی، از صفر تا صد از طریق این بیمه‌ها به مردمش خدمات‌رسانی کرده و نظارت شدید روی بیمه‌های خصوصی دارد. کسانی که سعی دارند چین را مثال بزنند، چرا دیگر کشورهای توسعه یافته مانند سوئیس، فرانسه و سوئد را مثال نمی‌زنند؟

گیلانی نژاد در پایان اظهار کرد: روندی وجود دارد که می‌خواهد اساساً خدمات تامین اجتماعی نباشد و سلامت مردم محل کسب سود برای افراد معدودی شود و اکنون خود را در این گونه اظهارات نشان می‌دهد.

## اخبار بازنشستگان

### تقابل قانون و بی قانونی

برای همه بازنشستگان تامین اجتماعی مسلم شده است که این دور باطل وعده دادن های مسوولین دولتی از معاون اول مخبر گرفته تا سرپرست وزارت کار و علی اصغر بیات بی عرضه، نماینده بازنشستگان در سطح کشور، جز دروغگویی و سرکار گذاشتن بازنشستگان چیز دیگری نیست. موضوع اصلاح مصوبه شورای عالی کار یعنی اینکه افزایش ۳۸ درصدی در کار نخواهد بود و آنچه توسط وزرای هیات امنای تامین اجتماعی که همگی گوش به فرمان دولت هستند تغییر خواهد یافت مبلغی بین ۱۰ درصد و ۳۸ درصد خواهد بود. آنانی که نگران ورشکست شدن تامین اجتماعی هستند و منابع آن را برای افزایش ۳۸ درصدی کافی نمی دانند همان کسانی هستند که بدهی ۴۰۰۰ میلیاردی خود را به تامین اجتماعی نمی دهند و با گماردن مدیران نالایق و اختلاسگر باعث بدبختی دهها میلیون انسان و ورشکستگی تامین اجتماعی هستند. تمای این بازی ها به معنای این است که قانون لغو شود و بی قانونی جایگزین آن شود. دیگر موضوع تنها افزایش ۳۸ درصدی حقوق بازنشستگان نیست بلکه حاکم شدن قانون و مبارزه علیه قانون شکنان است.

من میام تو هم بیا

### یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز ۲۳ مرداد با فراخوان های داده شده در اعتراض به کش دادن تصمیم برای افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی در یک فرایند فرسایشی، بازنشستگان در شهرهای تهران، بابل، قزوین، شوش، رشت، کرمانشاه، بجنورد، اراک، اردبیل در مقابل تامین اجتماعی شهرشان اجتماع کردند. تجمع بازنشستگان بابی در جهت دستیابی به احقاق حق و اجرای

مصوبه شورای عالی کار و اجرای اصل ۹۶ و ۱۱۱ انجام پذیرفت، بازنشستگان با سخنرانی های پی در پی و با صدای بلند فریاد زدند که «تا حق خود نگیریم/ از پای نمی نشینیم - تورم ۱۰۰ درصد/ افزایش ۱۰ درصد»

در قزوین پلیس گارد ویژه بازنشستگان را قبل از رسیدن به تامین اجتماعی هشدار باش داده و آنان را پراکنده کرد.

در اراک با راهپیمایی بازنشستگان و شعار: «این همه بی عدالتی/ هرگز ندیده ملت» انجام شد. در اهواز با آنکه برای بیش از ۱۵ نفر از کنشگران بازنشسته پرونده سازی شده بود تا شاید تجمعات را نقطه پایانی گذاشته شود، اما بازنشستگان اهوازی نشان دادند که خواسته خود را حتما با تهدید و زندانی شدن هم پیگیرند و شعار می دادند: «می جنگیم می میریم/ ذلت نمی پذیریم» در رشت که با شعار و سخنرانی توأم بود بازنشستگان اعتراض خود را از فرسایشی شدن افزایش حقوق ها و تبانی صورت گرفته کانون عالی بازنشستگان ابراز داشتند.

در تهران ۳ ون پلیس در مقابل سازمان تامین اجتماعی ایستاده بود و اجازه هیچگونه تجمعی را به بازنشستگان نمی داد.

در شوش با آنکه دمای هوا بیش از ۵۵ درجه بود بازنشستگان برای حق خواهی به مقابل تامین اجتماعی شهرشان آمدند.

آنچه به نظر می آید علی اصغر بیات رییس کانون عالی با مسوولین امر در توافقی به افزایشی کمتر از مصوبه شورای عالی کار رضایت داده است تا بتواند در انتخاباتی که در انزلی برگزار می شود ریاست کانون عالی را همچنان یدک بکشد. از سوی دیگر با قول ۱۵ شهریور برای نهایی شدن افزایش حقوق بازنشستگان جمعی از بازنشستگان به این وعده دل خوش کرده از همراهی با بقیه بازنشستگان شانه خالی کردند. به هر حال بازنشستگان معترض می گویند تا زمانی که مصوبه شورای عالی کار اجرایی نشود و این پول در حساب های ما ریخته نشود به هیچ وعده ای دلخوش نخواهیم بود.



## هزینه های میلیاردی از جیب بازنشستگان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز برای تعیین اعضای کانون عالی بازنشستگان تأمین اجتماعی کشور جلسه ای پر هزینه در یکی از هتل های بندر انزلی برگزار شد که مورد اعتراض بازنشستگان سراسر کشور بود. به گزارش زیر توجه فرمایید: «امروز ۲۶ مرداد ۱۴۰۱ ساعت ۹:۳۰ صبح با تعداد نزدیک به ۱۵۰ نفر در جلوی هتل کانون انزلی تجمع کردیم با بنرها و دیگر نوشته های اعتراضی بدون شعار و بسیار آرام و در سکوت. بازنشستگان تأمین اجتماعی



استان گیلان به نمایندگی از بازنشستگان سراسر کشور در محل هتل کانون عالی در بندرانزلی مکان برگزاری انتخابات فرمایشی کانون عالی در سکوت و آرامش و فقط با در دست داشتن بnr و پلاکاردهایی، اعتراض خود را نسبت به حضور بیات و اعضای هیات مدیره فعلی کانون عالی اعلام داشتند. شرم بر مسئولانی که قدرشناس این ملت نجیب از نژاد آریا و پارسیان نیستند. نیروهای انتظامی و پلیس امنیت برخورد بسیار مناسبی با تجمع کنندگان داشتند. حتی یکی از آنان که مشغول فیلم گرفتن از ما بود می گفت کارتان عالیست اما ایکاش تعدادتان بیشتر بود. سرکار خانم رحمان نیا نیز فرمایشاتی را داشته اند. در وسط صحبت‌هایم مکرر از آقای بیات می‌خواستم که به جلوی هتل بیایند و پاسخ ماها را بدهند که نهایتاً آقای اسدی دبیر کانون عالی که ضمناً خوش صحبت نیز هستند، نزد ما آمدند و ایشان نیز حرفهای دائمی مسئولان را تکرار کردند و گفتند که تا جمعه در هتل هستند و آقای زاهدی وفا پنجشنبه به کانون می‌پیوندند و قرار است که خوش خبر باشند!!!! نیروهای لباس شخصی یکی از بازنشستگان بنام آقای رحیم سایه بان را که از تجمع فیلم می‌گرفت، با خودشان بردند که با تلاش فراوان در ساعت سه و ربع بعد از ظهر آزادش کردند و خانواده اش از نگرانی درآمدند. و اما انتخابات... هفده نفر کاندید هیات مدیره شدند که یازده نفر و همه از قدیمی‌ها دوباره ابقاء شدند و بقیه نیز علی‌البدل!!! به زبانی بهتر رقیب برای انتخابات نداشتند چون فرمایشی بوده و از قبل تعیین شده بودند. اینها از سه روز پیش در هتل تشریف داشتند. و همه باهم کنار آمده بودند رای گیری صرفاً یک بازی بود که کانون را دور زده باشند.

**تجمع سکوت. سکوتی که هزاران حرف گفته و ناگفته در آن نهفته بود. آنهایی که اهل فهم بودند دانستند که این سکوت یعنی:**

کانون عالی سالانه مبلغ درآمد بالغ بر ۱۱۱ میلیارد تومان پول بازنشستگان را کجا هزینه می‌کند؟

یعنی کانون عالی تو با بیمه تحمیلی آتیه سازان چه زد و بندی داری و چرا آنرا بر پیشکسوتان جامعه کارگری تحمیل نمودی؟

یعنی کانون عالی تو با بیمه ایران چه زد و بندی داری که باید پیران جامعه بخاطر پورسانتی که به تو میرسد اجبارا بیمه عمر شوند؟

یعنی کانون عالی چرا در مقابل عدم اجرای قانون الزام درمان سازمان تامین اجتماعی خفه شدی؟ آیا چیزی جز دریافت این پورسانتها و منافع شخصی خود و اعضای هیات مدیره کانونعالی است؟

چرا و در مقابل دریافت چه مبلغی در مورد ماده درون سازمانی و تبعیض آمیز همکار و غیر همکار سکوت کرده ای؟

چرا جرات حضور در بین بازنشستگان و پاسخگویی شفاف را نداری؟

در مدت حضورت در کانونعالی کدام قدم مثبت را برای بازنشستگان برداشتی؟

و هزاران حرف ناگفته دیگر

ننگ بر بیات و اعضای کانون عالی که هنوز هم نمی خواهند دست خود را از جیب بازنشستگان مظلوم بیرون بیاورند و لعنت خداوند بر این هیات مدیره باد!

و درود خدا به شرف بازنشستگان گیلانی که امروز از طرف بازنشستگان سراسر کشور حرف دل همه را به مجلس بزم انتخابات کانونعالی که سرپرست تعاون نیز از این خوان نعمت متنعم شده است رسانیدند و کلام آخر بازنشسته میمیرد ذلت نمی پذیرد ما هنوز ابتدای راه هستیم و بی شک آینده مال ماست. تجمع امروز باور بفرمایید هتل را به لرزه درآورد اینگونه نبود که تاثیری نداشت

خدا را شکر میکنم که پیشنهاد تجمع را در جلوی هتل داده بودم و باز خدا را شاکرم که بزرگان بازنشسته یاری کردند تا حرف خودمان را بزنیم. درود بر همه آنانی که برای عدالت و حق خواهی تا پای جان ایستاده اند!!!

## نامه بازنشستگان کانون بازنشستگان تهران در مورد تخلفات هیات مدیره کانون به شماره ۲۳۴/۸۴۰/۹۰/۱۱ به تاریخ ۱۴۰۱/۵/۲۶

به نام دادگر

حضور محترم آقای همدانی ریاست کارگری کارفرمایی اداره کا و تعاون استان تهران

با سلام و احترام، با توجه به نامه ۸۵۴۵۹ به تاریخ ۱۴۰۱/۴/۱۴ که در اداره شما ثبت گردیده است، اعلام نمودیم که می بایست در انتخابات پیش رو، اساسنامه کانون بازنشستگان تهران تغییراتی ایجاد و در مجمع عمومی به عنوان دستور جلسه قید شود. متأسفانه هیات مدیره کانون در یک اقدام غیرقانونی اطلاعیه مجمع دور اول به تاریخ ۱۴۰۱/۵/۱۰ به روزنامه کاروکارگر داده است که جزو موارد اعتراضی ما بازنشستگان بوده است. در این اطلاعیه هیچ دستور جلسه ای مبنی بر تغییرات اساسنامه ای درج نگردیده است لذا اعلام می کنیم:

۱- روزنامه کاروکارگر به هیچ وجه روزنامه کثیرالانتشار نمی باشد و حتی در تهران اصلاً توزیع نمی شود که بتوان اطلاع رسانی درست صورت گرفته باشد. حتی اطلاعیه این مجمع تا روز ۲۳ مرداد در کانون نیز نصب نگردیده و مهمتر از همه به کاندیداها هم اطلاع رسانی نشده است و ای به حال اعضای کانون (تخلف اول در خصوص اطلاع رسانی)

۲- با توجه به نامه ارسالی شما به کانون در خصوص تغییرات ماده ۳۰ بند ۶ «سطح سواد می بایست به حداقل دیپلم تغییر یابد» بند ۷ «... سابقه کاندیدای عضویت در هیات مدیره به ۲ سال تغییر یابد» همچنین در اساسنامه در ماده ۳۰ گنجانده شود که «کاندیداتوری بیش از ۲ دوره متوالی امکان پذیر نیست» که متأسفانه در دستور جلسه گنجانده نشده است (تخلف دوم چون نامه اعتراضی ما را به کانون ابلاغ کرده اید)

خواهشمندیم نسبت به تخلفات بالا رسیدگی و دستورات مقتضی را اعلام و ما را نیز بی اطلاع نگذاشته پاسخ نامه مان را بدهید. با سپاس از زحمت جنابعالی

جمعی از بازنشستگان عضو کانون بازنشستگان تهران ۲۶ مرداد ۱۴۰۱

این نامه با ۳۰ امضا ارسال گردیده است

دروء بر کاندیداهای بازنشستگان متحد برای انتخابات کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تهران! متن مصاحبه کوروش اسدی با ایلنا (خبرگزاری کار ایران)

### چرا خدمات بیمه تکمیلی کاهش یافته؟

چرا در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، گستره‌ی تعهدات بیمه تکمیلی بازنشستگان کاهش یافته؛ مگر می‌شود بیمه‌گذار تکمیلی به یکباره بخشی از تعهدات خود را نقض کند مثلاً بگوید دیگر چشم پزشکی در لیست بیمه تکمیلی نیست.

یکی از خدماتی که در هفته‌های اخیر به نظر می‌رسد از لیست پوشش بیمه تکمیلی بازنشستگان کارگری خارج شده، خدمات چشم‌پزشکی‌ست؛ بسیاری از مراکز چشم پزشکی خصوصی حداقل در محدوده‌ی تهران و کرج ادعا می‌کنند دیگر با بیمه آتیه سازان حافظ قرارداد ندارند و بازنشستگان مجبورند هزینه‌ها را از جیب بردازند. کوروش اسدی (بازنشسته‌ی کارگری) در این رابطه به ایلنا می‌گوید: وقتی به مراکز معتبر چشم پزشکی در تهران و کرج مراجعه می‌کنیم، می‌گویند با بیمه آتیه سازان حافظ دیگر قرارداد نداریم؛ ما بازنشستگان برای هر نفر ۴۵ هزار تومان به بیمه تکمیلی می‌دهیم اما هیچ نفوذ و تاثیری در روند بستن قراردادهای بیمه‌گذار با مراکز درمانی نداریم؛ با هر مرکزی که بخواهند، قطع قرارداد می‌کنند و هر جور که مایل باشند، پوشش تعهدات خود را کاهش می‌دهند؛ چرا تامین اجتماعی و کانون‌های بازنشستگی هیچ نظارتی بر عملکرد بیمه‌گذار ندارند؟! بازنشسته برای عمل جراحی چشم به یک مرکز درمانی مراجعه می‌کند و تازه متوجه می‌شود باید هزینه‌ها را از جیب بدهد و ماه‌ها دوندگی کند تا آن را از بیمه‌گذار پس بگیرد. سوال این است که چرا باید یک واسطه میان بازنشسته و مراکز درمانی باشد، واسطه‌ای که تنها به فکر سود بیشتر است و اصلاً نگران وضعیت معاش بازنشستگان نیست؛ چرا خود تامین اجتماعی این پول‌ها را نمی‌گیرد و خرید خدمات نمی‌کند. و از آن مهم‌تر اینکه، چرا علیرغم نارضایتی بازنشستگان، همیشه با یک بیمه‌گذار ثابت قرارداد می‌بندند و حتی برای بالا بردن تعهدات قرارداد، چانه نمی‌زنند؟!

## درود بر کاندیداهای بازنشستگان متحد برای انتخابات کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تهران! متن مصاحبه حسن مرادی با اینلنا (خبرگزاری کار ایران)



**منابع افزایش حقوق بازنشستگان از ابتدای سال فراهم بود/ با قدرت سندیکایی کشورهای توسعه یافته در سال چند بار افزایش حقوق می‌داشتیم**

یک فعال حقوق بازنشستگان می‌گوید: دولت با این میزان تعلل در پرداخت حقوق نباید منتهی بر سر بازنشستگان بگذارد.

پس از ماه‌ها کشمکش بالاخره سرپرست وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی تسلیم دولت در برابر مطالبه بازنشستگان و رقم مورد مطالبه آن‌ها بر اساس قانون را پذیرفت. این تاخیر در تایید حقوق بازنشستگان و رقم افزایش آن هنوز مورد سوال صاحب‌نظران و فعالان حوزه حقوق بازنشستگان است.

غلامحسن مرادی (کاندیدای انتخابات کانون بازنشستگان و فعال حقوق بازنشستگی) با اشاره به این مطلب که: «دولت با این میزان تعلل در پرداخت حقوق نباید منتهی بر سر بازنشستگان بگذارد، اظهار کرد: برای خود ما سوال

است که چرا دولت با این میزان تعلل چنین اقدامی کرد و به نظر من قطعاً تلاش و اعتراض بازنشستگان در این چندماه با تمام سختی‌ها در شکل‌گیری این تصمیم موثر بوده است.» وی با اشاره به سخنان سرپرست وزارت کار در جمع بازنشستگان در انزلی پیرامون واگذاری سهام‌ها به بازنشستگان و توزیع سهام بانک رفاه در میان مستمری‌بگیران و کارگران گفت: بانک رفاه کارگران در اصل متعلق به بازنشستگان و کارگران است و ما از سال ۱۳۹۹ در قالب جمع آوری بیش از ۲۱۵۰ امضاء و نامه‌نگاری‌های اعتراضی بازنشستگان این هشدار را به دولت داده بودیم که در زمینه واگذاری بانک رفاه نباید اقدام غیرقانونی انجام شده و این بانک مانند سایر بانک‌ها به بخش خصوصی واگذار شود و سهام این مجموعه از آن بازنشستگان است.

این فعال حقوق بازنشستگان با تأکید بر این مطلب که «تعلل دولت به دلیل فقدان منابع نقد ادعای صحیحی نیست» گفت: سازمان تأمین اجتماعی از محل حق بیمه‌های واریز شده هنوز یک سازمان ثروتمند است و بازنشستگان در آن مهمان جیب خود بوده و منابع افزایش و حتی همسان‌سازی با فشار بازنشستگان در بودجه دولتی دیده شده است. انبوه بدهی‌های دولت به سازمان و همچنین سود بالای شرکت‌های شستا همه ضامن اجرای ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی برای افزایش حقوق بازنشستگان است.

مرادی در پایان با تأکید بر این مطلب که «ما بازنشستگان تأمین اجتماعی اگر قدرت اتحادیه‌ها و سندیکاهای موجود در کشورهای غربی و توسعه یافته‌تر را داشتیم به دلیل وجود تورم مانند آن‌ها در سال دو یا سه بار افزایش حقوق را به دولت تحمیل می‌کردیم» گفت: متأسفانه هنوز چنین توانی از نظر اتحادیه‌ای در تشکل‌های فعال وجود ندارد و این در حالی است که افزایش ۵۷ درصد و ۳۸ درصدی حقوق بر مبنای قیمت‌های بهمن ۱۴۰۰ انجام شده و این در حالی است که در این مدت تورم بالای پنجاه درصد بوده و ما دو جراحی بزرگ اقتصادی از طریق حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت‌ها را تجربه کردیم به گونه‌ای که در برخی اقلام مانند روغن در این مدت با تورم ۴۰۰ درصدی مواجه بودیم، اما دولت در مقابل تنها یک مرتبه افزایش حقوق آن هم با پنج ماه تأخیر را پس از تلاش فراوان بازنشستگان پذیرفت.

## عمل نکردن به وظایف، عامل اصلی ورشکستگی تامین اجتماعی!

مدتی است در رسانه ها به موضوع ورشکستگی تامین اجتماعی به دلیل نداشتن ورودی مناسب به لحاظ مالی تاکید می شود. آیا این صحت دارد؟ مدیران تامین اجتماعی پاسخ دهند چرا ۴ درصد سخت و زیان آور مشاغل را از کارفرمایان بزرگ و کوچک هر ماهه دریافت نمی کنند؟

در حال حاضر در ایران خودرو، سایپا، ذوب آهن، شرکت واحد اتوبوسرانی ۴ درصدها ماهانه به صندوق تامین اجتماعی واریز نمی شود. چرا؟؟؟ به همین دلیل بازنشستگان این کارخانه ها در زمان بازنشستگی سرگردان هستند. در ایران خودرو بعد از ۲۰ سال کار کردن سخت کارگران باید یکسال در انتظار بمانند تا ۴ درصد سخت و زیان آور شغلشان توسط مدیریت پرداخت شود تا بازنشسته شوند. در شرکت واحد اتوبوسرانی این بازه زمانی ۶ ماه و در ذوب آهن ۲ ماه است. در حالی که این ۴ درصد سخت و زیان آور می بایست سر هر ماه به صندوق تامین اجتماعی واریز شود تا هم کارگران سرگردان نشوند و هم تامین اجتماعی به درآمدها برسد و ورشکست نشود.

اما سوال اینجاست چرا این ۴ درصدها هر ماهه پرداخت نمی شود و در صندوق این کارخانه ها می ماند؟ چه کسی چنین دستور کمرشکنی را داده است تا درآمد ماهانه صندوق بعد از ۲۰ سال پرداخت شود؟ آیا این جزو دستوراتی نیست تا عمدن تامین اجتماعی از درآمدها محروم شود تا مافیا بتواند آن را ورشکسته کند؟ همانگونه که در دهه هفتاد با خارج کردن کارگاههای زیر ده نفر این منبع مالی را از چنگ تامین اجتماعی بدر آورده و کارگران این واحدها را سر پیری بدون پشت و پناه در جامعه رها کنند؟

این شرکت ها این ۴ درصد را پرداخت نمی کنند تا اگر کارگری را اخراج کردند و یا خودش ترک کار کرد و یا فوت شد این ۴ درصدها در جیب کارفرما بماند تا کارفرما سود بیشتری را به جیب بزند. اما مهمتر از همه طی ۲۰ سال، اصل پول و سود این پولهایی که باید بره گشای صندوق تامین اجتماعی باشد در جیب این کارخانه ها می ماند.

حال سوال اینجاست چرا مدیران تامین اجتماعی از درآمد ماهانه ۴ درصد سخت و زیان آور که سر به میلیاردها تومان می زند چشم پوشی می کنند در حالی که می بایست برای پرداخت حقوق بازنشستگان وام با درصد بالا از بانک ها بگیرند؟

هیات تحریریه نشریه پیام سندیکا

## بیمه های خصوصی، نابودی تامین اجتماعی!

سالهاست ننولیرالیسم از زبان مسوولین ما توصیه های خطرناکی را ایراد می کند. رییس کل بیمه مرکزی ایران آقای مجید بهزادپور طی اظهاراتی در خبرگزاری ایلنا به تاریخ ۲۴ مرداد از ورود بیمه های بازرگانی به حوزه درمان و بازنشستگی سخن گفته اند. از آقای مجید بهزادپور باید پرسید اول شما کارنامه درخشان!! بیمه گران خصوصی را ارایه کنید بعد به این حوزه ورود کنید. در حال حاضر شرکت بیمه آتیه سازان حافظ، بیمه تکمیلی بازنشستگان تامین اجتماعی آن قدر به مراکز درمانی و داروخانه ها و شرکت های دارویی بدهی دارد که در سال گذشته و امسال بسیاری از این مراکز و پزشکان قراردادهای خود را به دلیل تسویه نشدن طلب هایشان لغو کرده اند و بازنشستگان بیمار را سرگردان نموده است. در حال حاضر مراکز چشم پزشکی تخصصی نور در کرج و تهران از ارایه خدمات به بازنشستگانی که زیر پوشش آتیه سازان هستند به دلیل بدهی هنگفت این شرکت به این مرکز از خدمات رسانی به بازنشستگان تامین اجتماعی خودداری می کنند. شرکت بیمه دانا هم که در فولاد و ذوب آهن بیمه تکمیلی را ارایه می دهد به دلیل نداشتن شبکه ای فراگیر و به ویژه در خصوص بیماری های خاص و دندانپزشکی همچنان این گروه از کارگران را محروم از خدمات درمانی نموده است. در مورد بیمه فرهنگیان هم هیچ سابقه درخشانی وجود ندارد. سطح پایین پوشش خدمات، قرارداد نداشتن با مراکز مهم درمانی و بیمارستانی، عدم پوشش بیماری های خاص و سرطانی و دندانپزشکی از مهمترین ضعف های این بیمه گران خصوصی است. زیر پا گذاشتن قانون اساسی در این اظهارات و متاسفانه اظهارات آقای حیدری عضو بازنشستگان پیشکسوت خانه کارگر مشهود است. اصل ۲۹ قانون اساسی دولت را موظف کرده از بودجه دولت بیمه را تعمیر و سراسری کند نه اینکه به دست بیمه های خصوصی بسپارد. تصویب کنندگان این اصل به خوبی متوجه این مهم بوده اند که بیماری انسان ها نباید محلی برای سودورزی قرار بگیرد.

سخنان حیدری و بهزادپور نشانگر اعتقاد نداشتن به اصل ۲۹ قانون اساسی است و اینکه ننولیرالیسم در کشور این چنین از زبان این آقایان سخن می گوید، واقعیتی دردناک است. اینکه در مقاله از چین صحبت شده که در آنجا بیمه گران خصوصی به موضوع درمان وارد شده اند یک مغلطه است، چرا که دولت چین صفر تا صد خدمات را از طریق این بیمه ها به مردمش خدمات رسانی کرده و نظارت شدید روی این بیمه های خصوصی دارد. چرا در مقاله از خدمات بیمه ای کشورهایی چون سوئد، سویس، فرانسه به مردم حرفی زده نمی شود؟

به هر حال این تفکری است که می خواهد تامین اجتماعی نباشد و سلامت مردم محل کسب سود برای افراد معدودی گردد و باید با آن مقابله کرد. هیات تحریریه نشریه پیام سندیکا



## افزایش سن بازنشستگی مقدمه نابودی قانون کار

زاهدی وفا سرپرست وزارت کار و محمد اسکندری مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری بر اصلاح سن بازنشستگی به دلیل افزایش سن امید به زندگی در کشور تاکید دارند.

اینکه در کشور ما سن امید به زندگی به ۷۵ سال رسیده است مایه خوشحالی است اما این متعلق به چه کسانی است؟ آیا طبقه کارگر را هم شامل می شود؟ اگر زحمتکشان جامعه را با یک آمار سنجی درست در این خصوص قرار بدهیم و همه فاکتورهای زندگی را برای آنان در نظر بگیریم بی تردید عدد بدست آمده ۷۵ نخواهد بود. در این آمار ارایه شده همه مردم در نظر گرفته شده اند از فقیر و ثروتمند. در حالی که افزایش سن بازنشستگی فقط به زحمتکشان برمی گردد، پس از یک آمار عمومی نباید یک نتیجه خصوصی گرفت. برای اینکه امید به زندگی در میان زحمتکشان را مورد توجه قرار دهیم باید یک آمارگیری مخصوص زحمتکشان گرفته شود و این موارد را باید در نظر گرفت

۱- آیا حوادث شغلی که روزانه ۱۰ نفر را به کام خود می گیرد لحاظ شده است؟ اکثر کارگرانی که طعمه سودورزی کارفرمایان می شوند و جان خود را در حوادث شغلی از دست می دهند کمتر از ۴۰ سال دارند. در ذوب آهن ۹۰ درصد کارگران قبل از رسیدن به ۶۵ سالگی می میرند. در ایران خودرو افسردگی ناشی از شدت کار بیداد می کند و باعث مرگ زودهنگام کارگر قبل از ۷۰ سالگی می شود. امروز در ایران خودرو بالاترین آمار بیماری موضوع بیماری های قلبی و سکتانگ است.

۲- کارگرانی که قرارداد موقت، پیمانی، سفید امضا دارند هیچگاه نمی توانند در سن ۶۰ سالگی ۳۰ سال پرداخت بیمه داشته باشند چرا که یا برایشان لیست بیمه توسط کارفرمایان خلاف کار رد نشده است و یا اینکه بیکاری های مستمر اصلن نمی توانند در ۶۰ سالگی با ۳۰ سال کار بازنشسته شوند اگر تا زمان بازنشستگی مرگ به سراغ شان نیامده باشد. دلیل این موضوع هم اکثریت آمار مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی است که حداقل بگیرند.

برای تعیین سن امید به زندگی باید از زحمتکشان آماری جداگانه گرفت برای سهولت می توان به بایگانی ذوب آهن و ایران خودرو مراجعه نمود تا مشخص شود کارگرانشان در چه سنی از دنیا رفته اند.   
تحریریه پیام سندیکا

## یاد روح اله شمس کارگر شرکت داروسازی ارسطو ساوه گرامی!



در سال گذشته روح اله شمس کارگر شرکت داروسازی ارسطو پس از ۱۱ روز در کما بودن، در گذشت. انفجار راکتور این شرکت باعث مرگ این کارگر گشته بود هر چند که در این شرکت سال ۱۳۹۹ نیز انفجار راکتور روی داد که سبب کشته شدن یک کارگر تولید جوان شد.

آنچه مایه تاسف می باشد سودورزی مالک کارخانه است که باعث جانباختن این کارگران شده است. روح اله شمس کارگر شرکت داروسازی ارسطو یکی از کارگران علاقمند سندیکایی و بسیار خوش اخلاق کارخانه بود که بیش از ۱۰ سال در قسمت تولید کار می کرد و از او یک پسر به یادگار مانده است.

آنچه مایه شرم باید برای مالک کارخانه باشد این است که هیچ کمکی جز مبلغ ناچیز ۳۰ میلیون تومانی به خانواده این کارگر از سوی کارخانه داده نشده است و پسر ۱۰ ساله او به بیماری افسردگی دچار گشته است.

نفرین ابدی بر سیستم سرمایه داری که جان انسان ها برایش ارزش ندارد و نفرین همه دوزخیان بر مالک کارخانه که مسبب اصلی این حادثه است.

از همه دوستان سندیکایی فلزکار مکانیک در ساوه می خواهیم همچنان پشتیبان این خانواده باشند.

## دریاچه نمک ماهشهر!



در دو روز گذشته فیلمی را پخش کردیم از دریاچه نمک پتروشیمی ماهشهر که به دلیل رها کردن پساب های پیمانکاران حاضر در این پتروشیمی دریاچه نمک آلوده و چرخه محیط زیستی آن دچار مخاطره قرار گرفته است و همان طور که در فیلم ارایه شده دیده می شود بخش بزرگی از ماهی های این دریاچه تلف شده اند. به گزارش زیر که از سوی یکی از اعضای سندیکای کارگران فلزکار مکانیک نگاشته شده است توجه کنید: «دریاچه نمک پتروشیمی بندر امام (ایران ژاپن سابق) قبل از انقلاب به صورت ردیف ۱، ۲، ۳، ..... از چند حوضچه متعدد جهت ساخت و جمع کردن نمک دریا برای خوراک واحد کیمیا مجتمع با سنگ معدن کوه سنگ چینی و ساخته شد. ژاپنی ها درکنار تامین خوراک مجتمع تاسیسات عظیم مربوطه، حاشیه دریاچه نمک که از شرق به تاسیسات و مخازن صادراتی مجیدیه ماهشهر و از غرب به جاده ورودی مجتمع های پتروشیمی و از شمال به دریا و از جنوب به اتوبان اصلی جاده ماهشهر به آبادان وصل هست، یک مرکز تفریحی برای خانواده های کارکنان مجتمع و مردم ماهشهر در نظر گرفتند. با وقوع انقلاب و متعاقب آن جنگ تحمیلی و در نهایت فسخ قرارداد طرف ژاپنی، ادامه تکمیل پروژه و مرکز تفریحی عملن مسکوت ماند. تا سال ۶۸ که خود وزارت نفت ایران ادامه بازسازی و ساخت مجدد سایت های پتروشیمی بندرامام را آغاز به کار کرد، طبیعتن سایت تفریحی دریاچه نمک هم بازسازی و مرکز تقریبا دنجی راه اندازی شد. تنها مرکز تفریحی کارکنان صنایع و مردم ماهشهر همین دریاچه نمک بود. در ایام عید نوروز مسافران بسیار زیادی از سراسر کشور از این مرکز بازدید و ساعات خوش می گذرانده و نزدیک به ۱۰۰ نفر هم به صورت مستقیم مشغول به کار بودند. در دوره دولت سوپر انقلابی محمود احمدی نژاد این مرکز عملن رها، پیمانکار فسخ قرارداد، کارکنان شرکتی در واحدهای خدمات و تعمیرات مجتمع مشغول به کار و کارکنان پیمانکاری که بیکار شدند. این فاجعه زیست محیطی ادامه سیاست رها سازی دریاچه می باشد.

## هیچ چیز ارزشمندتر از زندگی نیست!

چندی پیش، یکی از ثروتمندترین مردان برزیل در پستی روی فیس بوکش اعلام کرد که خودروی بنتلی نیممیلیون دلاری خود را، که به‌تازگی خریده بود، دفن خواهد کرد. آقای شیکینو اسکاریا گفته بود که بعد از آنکه مستندی درباره‌ی فرعون‌های مصر باستان دیده، می‌خواهد به‌تقلید از آنها ارزشمندترین دارایی خود را دفن کند تا در زندگی بعد از مرگ بتواند از آن استفاده کند! در مدت یک هفته تا زمانی که برای تدفین خودرو اعلام شده بود، این کار او موجی از جنجال در رسانه‌های برزیل به‌راه انداخت و نظرات منفی بسیاری برای او ارسال شد؛ بسیاری این کار را احمقانه خواندند و معتقد بودند که او دست‌کم با بخشیدن خودرو می‌تواند بیشتر به زندگی‌بعدی خود کمک کند! اما او، مصمم، در یک برنامه‌ی تلویزیونی صدها خبرنگار و عکاس را به خانه‌ی خود در شهر سانوپائولو دعوت کرد تا شاهد مراسم تدفین باشند. خودرو به داخل گودال منتقل شد و آقای اسکاریا بر سر مزار خودروی خود ایستاد، اما قبل از اینکه اولین تل خاک روی خودرو ریخته شود، دستور توقف داد و همه را به داخل خانه دعوت کرد. بعد مشغول سخنرانی برای جمع شد: «البته که من دیوانه نیستم، البته که ماشینم را دفن نخواهم کرد. بسیاری به‌سبب اینکه می‌خواستم ماشینم را دفن کنم، دربارهم قضاوت بد کردند، اما اغلب مردم چیزی بسیار باارزش‌تر از بنتلی من را دفن می‌کنند. آنها قلب، کلیه، کبد، شش، و چشم‌هایشان را به خاک می‌سپارند. این کار احمقانه است؛ زیرا بسیاری از مردم نیازمند اهدای عضوند. دفن‌شدن مردگان با اعضای سالمی که چه‌بسا جان بسیاری را نجات بدهند بزرگ‌ترین خسران این جهان است. ارزش بنتلی من حتی نزدیک به آن نیست. هیچ ثروتی، هرچقدر هم زیاد، ارزشمندتر از یک عضو بدن نیست؛ زیرا هیچ‌چیز ارزشمندتر از زندگی نیست.»

آقای اسکاریا این کار را به‌مناسبت هفته‌ی اهدای عضو در برزیل و با همکاری سازمان اهدای عضو برزیل (ABTO) انجام داد تا توجه مردم را به این مسئله جلب کند. پس از این مراسم، سازمان ABTO کمپین جدید خود را با شعار «دفن‌کردن چیزی باارزش‌تر از بنتلی احمقانه است» راه‌اندازی کرد. موجی که این کار برای اهدای اعضا در برزیل به‌راه انداخت بی‌سابقه بوده است. این کار آقای اسکاریا فقط در شبکه‌های اجتماعی بر بیش از ۱۷۲ میلیون نفر تأثیرگذار بوده و پست‌های مربوط به اهدای اعضا پس از آن ۷۴۳ درصد بیشتر از پست مربوط به دفن‌شدن بنتلی به اشتراک گذاشته شدند. و اهدای اعضا در برزیل در مدت یک ماه ۵/۳۱ درصد افزایش یافت

## "اوبونتو" چیست؟!

یکی از پژوهشگران حوضه مردم‌شناسی، که برای تحقیق به آفریقا سفر کرده بود، روزی در یکی از قبایل، به تعدادی از بچه‌های بومی، یک بازی را پیشنهاد کرد.

او سبدی از میوه را در نزدیکی یک درخت گذاشت و گفت: هر کسی که زودتر به سبد برسد، آن میوه‌های خوشمزه را برنده می‌شود.

هنگامی که فرمان دویدن داده شد، آن بچه‌ها دست‌ها یکدیگر را گرفتند و باهم دویدند و در کنار درخت خوشحال به دور آن سبد میوه نشستند.

پژوهشگر که از رفتار بزرگ منشانه‌ی بچه‌ها هاج و واج بود، علت این رفتار آنها را پرسید و گفت: درحالی که یک نفر از شما می‌توانست به تنهایی همه میوه‌ها را برنده شود، چرا از هم جلو نزدید؟

آنها گفتند: "اوبونتو"

به این معنا که: "چگونه یکی از ما می‌تواند خوشحال باشد، در حالی که دیگران ناراحتند؟"

کاش یک روز همه ما آدمها این‌طوری باشیم.

"اوبونتو" در فرهنگ "ژوسا" به این معناست:

"من هستم، چون ما هستیم"

خوبی را برای همه بخواهید تا خداوند و کائنات به خودتان سوقش دهد .

در دنیا همه چیز مثل يك پژواك عمل می‌کند. "اوبونتو".....

## دیدگاه تلسکوپ جیمزوب، نمایانگر «بهترین حالت» انسانیت و دولت

تلسکوپ جیمز وب سازمان ناسای آمریکا از دید هیات تحریریه پرتیراژترین روزنامه پایتخت آمریکا، تصاویری به ارمان داشت که انسانیت و دولت را در بهترین خود، باز می‌نماید. شورای سردبیری واشنگتن پست در سرمقاله روز چهارشنبه ۱۳ ژوئیه، ۲۲ تیرماه، تصاویر خوش‌رنگ و عمیق تلسکوپ جیمز وب از ستاره‌ها، کهکشان‌ها، گردوخاک فضایی، ابرهای گازی، و بسیاری شگفتی‌های دیگر از جهانی در فاصله هزارها بلکه میلیون‌ها سال نوری با کره زمین را به هدایای دیر هنگام کریسمس تشبیه می‌کند. ناسا این تلسکوپ عظیم را روز عید زادروز مسیح در سال گذشته میلادی، به فضا پرتاب کرد. واشنگتن پست می‌نویسد: «برای هر کس که به ستاره‌ها نگرسته و فکر کرده ما در عظمت کائنات، چه جای کوچکی اشغال می‌کنیم، تصاویر تلسکوپ جیمز وب، هوش‌ریا است. این که تلسکوپ، با ۳۴۴ نقطه شکست احتمالی بر اساس محاسبات دانشمندان، با موفقیت به مدار کره زمین پرتاب شد و حتی بهتر از آن چه برایش طرح شده بود، کار می‌کند یک معجزه و نیز گواهی بر نبوغ بشریت است»

در دوران بدگمانی لجام‌گسیخته، تصاویر خیره‌کننده جیمز وب، به انسان برای داشتن امید، دلیل می‌دهد: امید به پیشرفت علم، به احتمال وجود زندگی در سیارات دوردست، به دانشمندان جوان الهام‌گرفته‌ای که ما را به آینده هدایت می‌کنند، و به موفقیت دولت ایالات متحده، وقتی کارش را چنان که باید انجام می‌دهد. سرمقاله واشنگتن پست تأیید می‌کند که درک جزئیات و ارقامی که تصاویر تلسکوپ جیمز وب را تشریح می‌کنند، برای بسیاری از مردم دشوار است. نخستین تصویری که از این تلسکوپ منتشر شد «عمیق‌ترین تصویر مادون قرمز از کیهان» بود. این تصویر چشم‌اندازی از تکه‌ای از فضا از تقریباً ۴.۶ میلیارد سال پیش را ارائه می‌کند. این تصویر همچنین هزاران کهکشان را در فاصله یک میلیارد سال بعد از انفجار بزرگ، یعنی «بیگ بنگ» (یا «مهبانگ»)، نشان می‌دهد. با این حال، این تصویر با همه شگفتی‌هایش، تنها ناخنکی است به آن چه کیهان در چننه دارد، معادل یک دانه‌شن از منظر درازای دست. این مقداری است که تلسکوپ جیمز وب در اولین عکس خود، عرضه کرد.

سه تصویر بعدی هم به همان اندازه پرشکوه بودند. کهکشان‌هایی که گویی دامن هم را می‌کشیدند، صخره‌های کیهانی، که از ستارگان نوزاد می‌درخشیدند، ستارگان رو به مرگ با چرخشی از گاز و خاک در رقص نهایی. تلسکوپ جیمز وب حالا به یک داستان موفقیت مقبول عام تبدیل شده است. اما هضم هزینه و تاخیرهای آن برای مقامات دولت ایالات متحده دشوار بود. واشنگتن پست در تاریخچه به ثمر رسیدن تلسکوپ جیمز وب که برای ادامه پروژه تلسکوپ فضایی هابل طرح شده بود، یادآور می‌شود که ساختن آن، بیش از شش بار طی بیست سال، به تعویق افتاد. هزینه تلسکوپ جیمز وب به ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد، که پنج برابر مبلغی است که ناسا در دهه ۲۰۰۰ برآورد کرده بود. در واقع، بیشتر بودجه فضایی آمریکا صرف تلسکوپ جیمز وب شده است، که آن را با عناوینی نظیر تلسکوپی که فضاشناسی را بلعید، و حفرة سیاهی برای پول مالیات‌دهندگان، می‌کوبیدند. در سال ۲۰۱۱، کنگره آمریکا به لغو کامل طرح نزدیک شد. رئیس وقت ناسا برای ادامه حمایت دولت، به التماس افتاد. واشنگتن پست با اشاره به نخستین تصویر تلسکوپ جیمز وب، آن را نه تنها یک موفقیت، بلکه یک سرمایه‌گذاری ارزشمند می‌داند و یادآور می‌شود که به خاطر بودجه سنگین آن، کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۱ «اداره حسابرسی دولت» را مامور ساخت که هر سال گزارشی در باره هزینه آن به کمیسیون بودجه مجلس نمایندگان، ارائه دهد. با توجه به زیان‌های بالای حتی کوچکترین اشتباه فنی، دانشمندان ناسا، مدیران، مقاطعه‌کاران و دیگر دست‌اندرکاران طرح، کار عظیم خود را با دقت و احتیاط انجام دادند. با این حال، برخی اشتباهات در طول کار پیش آمد، به ویژه در مدیریت ضعیف پروژه و تخمین هزینه‌ها، که به عقیده واشنگتن پست، ناسا می‌تواند از آنها برای آینده درس بگیرد. واشنگتن پست در سرمقاله تحسین‌آمیز خود می‌نویسد، سرانجام تلسکوپ جیمز وب میلیون‌ها ذره درخشان نور بر آینده علمی کشور می‌تاباند، و دیگر ادارات دولتی که طرح‌های بلندپروازانه در دست دارند، باید از موفقیت پروژه تلسکوپ جیمز وب، الهام بگیرند.

از دید واشنگتن پست، تلسکوپ جیمز وب توفیقی قابل ملاحظه است از همه لحاظ: دولت موثر، فناوری بدعت‌آمیز و اکتشافی پیشگامانه. چون تلسکوپ جیمز وب تازه شروع کار است.

## تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

انتظار سختتر از مرگ است. مکالمه شوهر روستایی با تلفن همگانی بیمارستان

از لحظه ای که در یکی از اتاق های بیمارستان بستری شده بودم، زن و شوهری در تخت روبروی من مناقشه بی پایانی را ادامه می دادند. زن می خواست از بیمارستان مرخص شود و شوهرش می خواست او همان جا بماند. از حرف های پرستارها متوجه شدم که زن یک تومور دارد و حالش بسیار وخیم است. در بین مناقشه این دونفر کم کم با وضعیت زندگی آنها آشنا شدم.

یک خانواده روستائی ساده بودند با دو بچه. دختری که سال گذشته وارد دانشگاه شده و یک پسر که در دبیرستان درس می خواند و تمام ثروتشان یک مزرعه کوچک، شش گوسفند و یک گاو است. در راهروی بیمارستان یک تلفن همگانی بود و هر شب مرد از این تلفن به خانه شان زنگ می زد. صدای مرد خیلی بلند بود و با آن که در اتاق بیماران بسته بود، اما صدایش به وضوح شنیده می شد. موضوع همیشگی مکالمه تلفنی مرد با پسرش هیچ فرقی نمی کرد: «گاو و گوسفندها ابرای چر ابردید؟ وقتی بیرون می روید، یادتان نرود در خانه را ببندید. درس ها چطور است؟ نگران ما نباشید. حال مادر دارد بهتر می شود. به زودی برمی گردیم..»

چند روز بعد، پزشکها اتاق عمل را برای انجام عمل جراحی زن آماده کردند. زن پیش از آنکه وارد اتاق عمل شود ناگهان دست مرد را گرفت و در حالی که گریه می کرد گفت: «اگر برنگشتم، مواظب خودت و بچه ها باش» مرد با لحنی مطمئن و دلداری دهنده حرفش را قطع کرد و گفت: «این قدر پرچانگی نکن»

اما من احساس کردم که چهره اش کمی درهم رفت. بعد از گذشت ده ساعت، پرستاران زن بی حس و حرکت را به اتاق رساندند. عمل جراحی با موفقیت انجام شده بود. مرد از خوشحالی سر از پا نمی شناخت و وقتی همه چیز رو به راه شد،



بیرون رفت و شب دیروقت به بیمارستان برگشت. مرد آن شب مثل شب‌های گذشته به خانه زنگ نزد. فقط در کنار تخت همسرش نشست و غرق تماشای او شد که هنوز بی‌هوش بود. صبح روز بعد زن به هوش آمد. با آن که هنوز نمی‌توانست حرف بزند، اما وضعیتش خوب بود. از اولین روزی که ماسک اکسیژنش را برداشتند، دوباره جر و بحث زن و شوهر شروع شد. زن می‌خواست از بیمارستان مرخص بشود و مرد می‌خواست او همان جا بماند. همه چیز مثل گذشته ادامه پیدا کرد. هر شب، مرد به خانه زنگ می‌زد. همان صدای بلند و همان حرف‌هایی که تکرار می‌شد.

روزی در راهرو قدم می‌زدم. وقتی از کنار مرد می‌گذشتم، داشت می‌گفت: «گاو و گوسفندها چطورند؟ یادتان نرود به آنها برسید. حال مادر به زودی خوب می‌شود و ما برمی‌گردیم.» نگاهم به او افتاد و ناگهان با تعجب دیدم که اصلاً کارتی در داخل تلفن همگانی نیست. همچنان با تعجب به مرد روستایی نگاه می‌کردم که متوجه من شد، مرد درحالی که اشاره می‌کرد ساکت بمانم، حرفش را ادامه دادتا این که مکالمه تمام شد. بعد آهسته به من گفتم: «خواهش می‌کنم به همسرم چیزی نگو. گاو و گوسفندها را قبلاً برای هزینه عمل جراحی فرورخته‌ام. برای این که نگران آینده‌مان نشود، وانمود می‌کنم که دارم با تلفن حرف می‌زنم.»

در آن لحظه متوجه شدم که این تلفن‌های با صدای بلند برای خانه نبود! بلکه برای همسرش بود که بیمار روی تخت خوابیده بود. از رفتار این زن و شوهر و عشق مخصوصی که بین شان بود، تکان خوردم.

عشقی حقیقی که نیازی به بازی‌های رمانتیک و گل سرخ و سوگند خوردن و ابراز تعهد نداشت! اما قلب دو نفر را گرم می‌کرد. و این انسان بودن است که زیباست. انسانیت را تمرین کنیم و برایمان عادت شود.

## کار زنان هرگز پایان نمی‌یابد!

نیویورک‌تایمز یادداشتی به قلم «مارین دود» منتشر کرده که در آن ضمن ابراز خوشحالی از بازگشت دموکرات‌ها، به شرایط تلخ زنان در دوره ترامپ و چالش‌های پیش‌روی زنان در گوشه و کنار جهان اشاره کرده است. در بخشی از این یادداشت آمده است: جمعه، روز برابری برای زنان بود؛ روزی که کنگره در دهه ۷۰ نام‌گذاری کرد. در زمانی که زنان در سراسر جهان باید شکوفا شوند، ما شاهد شکست‌های خیره‌کننده‌ای هستیم. روند عجیبی در مجازات زنان، به سبک عربستان سعودی، به دلیل علاقه‌مندی‌های آنها وجود دارد. «مارین»، نخست‌وزیر ۳۶ ساله فنلاند، به دلیل رقصیدن با دوستانش مورد انتقاد قرار گرفته است؛ آن‌هم در کشوری که همیشه در گزارش شادی جهانی منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد، به‌عنوان «شادترین کشور جهان» شناخته می‌شود. وقتی مارین مجبور می‌شود پس از افشای ویدئویی از رقصش با گریه عذرخواهی کند و آزمایش مواد مخدر را انجام دهد، همه تصاویری از دنیایی تلخ برای زنان را ارائه می‌دهد. هرچند «جاسیندا آردن» شگفت‌انگیز، نخست‌وزیر نیوزیلند، از همتای فنلاندی خود دفاع کرد و پرسید: «چگونه مطمئن شویم که می‌شود مردم را به سمت سیاست جذب کرد، نه اینکه سبب دوری آنها شد؟»

«امانول»، سفیر ایالات متحده در ژاپن، در توییتی درباره استانداردهای دوگانه نوشت: نخست‌وزیر استرالیا، آنتونی آلبانیز، به دلیل نوشیدن در یک کنسرت عمومی مورد تشویق قرار گرفت، درحالی‌که مارین به دلیل رقصیدن در یک میهمانی خصوصی مورد انتقاد قرار گرفت؛ «همه فقط عقب‌نشینی می‌کنند!». امانول گفت: «نخست‌وزیر فنلاند به اندازه کافی بالغ است که کشورش را عضو ناتو کند، اما به اندازه کافی بالغ نیست که بعد از یک هفته کاری سخت به میهمانی دوستانه برود». این نویسنده معتقد است در آمریکا نیز شرایط برای زنان تلخ و بسته می‌شود. او اشاره می‌کند در فاصله یک هفته مانده به انتخابات ۲۰۲۰، «امی بارت»، متعصب مذهبی، قاضی دادگاه شد. او عضو یک گروه مسیحی بود که در آن مردان تصمیم‌گیرنده و صاحب زنان خود هستند.

## مُردن کودکی در کنار سطل زباله

آرمان ملی- آساره کیانی: تصاویر همین قدر دردناک و تاسف بار هستند؛ پسر بچه‌ای با صورت روی زمین افتاده و دست‌ها یکی، شکسته طور، روی بدنش خمیده و دیگری حمایل سر شده، تصاویری هم قرمزی خون رفته از جسم بی‌جان، چشم را می‌زند. مردی می‌گوید: آمبولانس زنگ زده‌اید؟ دیگری پارچه تهیه می‌کند تا روی جنازه بکشند. همان صدایی که سراغ آمبولانس را گرفته بود، می‌گوید که بنده خدا روی سطل آشغال آن طرفی بوده. زنی با لهجه ترکی، لاله... می‌گوید و همزمان صدای چند زن دیگر و چند کودک هم شنیده می‌شود. پلیس هم آمده، کمی دورتر و چند پسر بچه در حیرانی و کنجکاو، جزئیات حادثه را برای هم بازگو می‌کنند. تصویر عقب می‌رود و دنیا با یک تکه زمین از اسلامشهر، یک گونی زباله بزرگ، یک پر اید مجاله شده، یک سطل زباله بدقواره و چهره مردانی که روی جنازه خم می‌شوند، دور سر یک کودک زباله گرد می‌چرخد؛ کودکی که دیگر زنده نیست تا از فردا سهمی در جمع کردن زباله‌های پایتخت داشته باشد. اسلامشهر از شهرهای پرجمعیت استان تهران است و مثل سایر محلات تهران و اطراف آن، پُر است از کودکان کار. رسانه‌ها داستان این مرگ را چنین گزارش کردند؛ «یک راننده اسنپ (تاکسی اینترنتی) با خودرو پر اید که در دام مسافران افتاده بود، برای فرار از دست آن‌ها، خودرو خودش را به سطل زباله و دیوار یک مغازه در اسلامشهر کوبید. مسافرهای مزاحم ظاهراً متواری شدند اما بعد از عقب کشیدن خودرو معلوم شد کودک زباله گردی که در کنار سطل و در حال جمع آوری پسماند بوده، کشته شده و جسدش زیر پر اید مانده است. این خبر هم در کنار سایر اخبار سرویس حوادث خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها قرار گرفت و محتوای این صفحات را تکمیل کرد اما باید گفت چنین مرگ دردناکی، حاوی نکات تامل برانگیز است که خود به تنهایی می‌تواند تصویری از وضعیت اجتماعی و آسیب‌های ریشه‌دار آن را بازگو کند.



او همتش را کول می کند و مسولین دروغ هایی را که برای  
سودجویی بیشتر تحویل او داده اند.

## یسرا سلیمانی نابغه ریاضی بلوچ برای ششمین بار قهرمان جهان شد!



روز ۹ شهریور ماه ۱۴۰۱، یسرا سلیمانی یکی از نوابغ ریاضی دنیا برای ششمین بار قهرمان جهان شد. "یسرا سلیمانی" دختر ۱۵ ساله اهل شهرستان پلوچ در بلوچستان همچنین در مسابقات جهانی محاسبات ذهنی ریاضی ۲۰۲۱ که سال گذشته و در خرداد ماه با حضور ۱۷ هزار دانش آموز از ۳۰ کشور جهان به صورت آنلاین برگزار شد در سطح خودش مقام اول را به دست آورده بود. در تکنولوژی آموزشی UCMAS از محاسبات ریاضی بمنظور توسعه ذهن استفاده می‌شود که این امر فراتر از علم ریاضی است چرا که در این سیستم بر روی قدرت تمرکز، مشاهدات، قدرت ذهن و قدرت تخیل و تحلیل کودکان کار می‌شود. این کودک بلوچ با توجه به استعداد و نبوغ فکری می‌تواند ۲۰۰ سوال ریاضی را در کمتر از هشت دقیقه حل کند. گفتنی است که بلوچستان با وجود در اختیار داشتن استعدادهای بالا همچنان از تبعیض‌های سیستماتیک، محرومیت اقتصادی و آموزشی رنج می‌برد و برخی آمارها از وجود بیش از ۱۴۰ هزار بازمانده از تحصیل در این استان حکایت دارد؛ کودکانی که در سن ۶ تا ۱۵ سال از تحصیل باز می‌مانند و یا ترک تحصیل می‌کنند.

## مفهوم ابر واقعیت

دروغی است که تحت تاثیر قدرت رسانه وزن آن از واقعیت بیشتر می‌شود. چنان‌که مردم واقعیت ملموس را نمی‌بینند و دروغ رسانه را باور می‌کنند. مثلاً آن‌جا که «رسانه» بر مبنای مصاحبه با سه چهار کودک دبستانی می‌خواهد خطرات روانی تک فرزندی" را به اثبات برساند دقیقاً مصداق آن چیزی است که در عرف سیاسی به آن «پوپولیسم» یا «عوام فریبی» می‌گوییم: «برانگیختن توده علیه نخبگان، ترویج تفکر عوامانه و سرکوب تفکر کارشناسانه، باز تولید بی‌سوادی!»

## « تابیدنی چنین »

از بادها بخوان  
صدای باران را  
و روز را بنوش و  
از تازه ها بیا  
که ما  
از شب شب های سُرُب می گذریم.

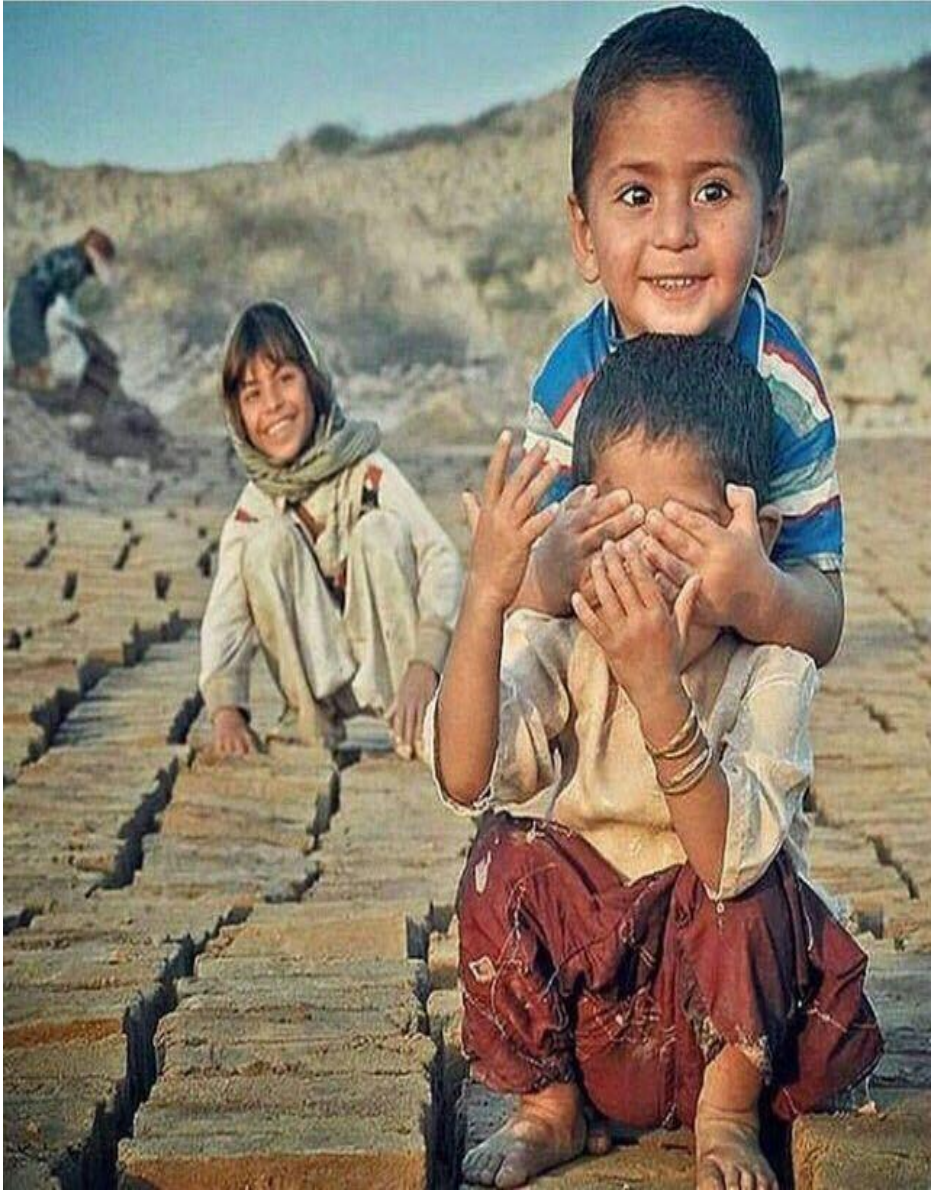
بی تابِ تابِ ستاره  
خونِ سپیده باش.

تابیدنی چنین  
برای پنجره ها  
آرزوست.



راه «آزادی» و «مدنیت» نه از خیابان با مشتهای گره کرده بلکه از آرامش کتابخانه‌ها می‌گذرد! برای همین است که کتابخانه در سرزمین‌های به خواب رفته امن‌ترین مکان برای عنکبوت‌هاست و دیکتاتورها نیز خواب راحت دارند.





در سخت ترین شرایط هم من به دنبال کودکی ام هستم!